



شنبه هفتم اسفند ماه ۱۴۰۰

سال هفتاد و هشتم شماره ۲۲۴۱۵

روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

شامل: قوانین - مذاکرات مجلس شورای اسلامی - رویه‌های قضایی - عهدنامه‌ها - آئیننامه‌ها

WWW.RRK.IR
WWW.DASTOUR.IR

تصویب‌نامه‌ها - تصمیم‌نامه‌ها - اساسنامه‌ها و آگهیها

تک شماره ۴۵۰۰ تومان

صفحه	دستگاه اجراء کننده	تاریخ تصویب	عنوان مندرجات (قوانین و مقررات و مصوبات آراء وحدت رویه)
۲	سازمان تأمین اجتماعی	۱۴۰۰/۱۰/۷	رأی شماره‌های ۲۶۵۶ الی ۲۶۶۷ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: بخشنامه ۱۴۰۰/۳ سازمان تأمین اجتماعی (موضوع بخشنامه شماره ۱۰۰۰/۹۹/۶۵۳۲ - ۱۳۹۹/۷/۱۹ مدیرعامل سازمان تأمین اجتماعی) با عنوان بخشنامه معافیت از پرداخت حق بیمه سهم کارفرما تا میزان ۵ نفر کارگر و نامه شماره ۵۰۰۰/۹۹/۸۷۰ - ۱۳۹۹/۶/۲۹ معاون بیمه‌های سازمان تأمین اجتماعی با موضوع لغو اجرای ماده ۶۳ قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت که متضمن عدم اعمال معافیت مذکور به جهت عدم پیش‌بینی منابع مالی آن توسط دولت در بودجه‌های سنواتی هستند از تاریخ تصویب ابطال شد
۴	شورای نگهبان	۱۴۰۰/۱۰/۲۱	رأی شماره‌های ۲۸۲۱ و ۲۸۲۲ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: اطلاق تبصره ۲ بند ۴۸ شیوه‌نامه فنی و اجرایی ضبط و شرایط بهره‌برداری از مراتع کشور موضوع مصوبه شماره ۹۵/۱/۱۴۱۰۵ مورخ ۱۳۹۵/۶/۲ سازمان جنگل‌ها و مراتع و آبخیزداری کشور مطابق نظریه فقهای شورای نگهبان از تاریخ تصویب ابطال شد
۶	سازمان اداری و استخدامی کشور	۱۴۰۰/۱۰/۱۴	رأی شماره ۲۶۷۹ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: قرارداد موقت کارگری در بند (۱) قسمت (ب) بخشنامه شماره ۳۷۹۵۹۹ مورخ ۱۳۹۹/۹/۲۵ سازمان اداری و استخدامی کشور و عبارت «تبدیل قرار موقت کارگران به قرارداد دائم» در تبصره (۱) همان بخشنامه از تاریخ تصویب ابطال شد
۸	وزارت نفت	۱۴۰۰/۱۰/۱۴	رأی شماره ۲۶۸۱ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: بندهای (ب) و (ج) بخشنامه شماره م ت م س ۴۰۷۲۷/۱ - ۱۳۹۹/۲/۱۶ معاون توسعه مدیریت و سرمایه انسانی وزیر نفت که متضمن تعیین سقف برای حقوق و مزایای پرداختی به کارمندان صنعت نفت است از تاریخ تصویب ابطال شد
۹	شورای اسلامی شهر رشت	۱۴۰۰/۱۰/۱۴	رأی شماره ۲۶۸۲ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: تبصره ۳ ماده ۱۶ تعرفه عوارض و بهای خدمات سال ۱۳۹۸، تبصره ۳ ماده ۱۶ تعرفه عوارض و بهای خدمات سال ۱۳۹۹ و اصلاحی سال ۱۳۹۹ که متضمن اخذ عوارض به میزان چندبرابر برای طبقات مازاد احداثی و هر نوع پیش‌آمدگی مشرف بر معابر عمومی و همچنین کلیه تراکم‌های تخصیص یافته توسط شهرداری در اجرای مصوبات کلی کمیسیونهای ماه ۵ است، و نیز قسمتی از ماده ۱۹ تعرفه عوارض و بهای خدمات سال‌های ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ آن شهر که در رابطه با قیمت علاوه بر مساحت است ابطال شد
۱۱	شورای اسلامی شهر مرند	۱۴۰۰/۱۰/۱۴	رأی شماره ۲۶۸۳ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: ستون آخر از جدول بند «ب» ماده ۶ تعرفه عوارض محلی سالهای ۱۳۹۵ الی ۱۳۹۸ شورای اسلامی شهر مرند تحت عنوان عوارض تجدید پروانه ساختمانی بعد از انقضای مدت پروانه و تمدید از تاریخ تصویب ابطال شد
۱۲	وزارت امور اقتصادی و دارایی	۱۴۰۰/۱۰/۱۴	رأی شماره‌های ۲۶۸۴ و ۲۶۸۵ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: تبصره ۴ ماده ۲۲ و تبصره ۲ ماده ۲۴ آیین‌نامه اجرایی ماده ۲۱۹ قانون مالیاتهای مستقیم (مصوبه شماره ۱۸۰۷۱۸ مورخ ۱۳۹۸/۹/۱۳ وزیر امور اقتصادی و دارایی) ناظر به محرمانه بودن معیارها و شاخصهای مورد استفاده در تولید اظهارنامه برآوردی و محرمانه بودن معیارها و شاخصهایی است که جهت انتخاب مؤدیان براساس رتبه ریسک مالیاتی مورد عمل قرار می‌گیرد و به اطلاعات مالی و حسابرسی هر مؤدی به طور خاص ارتباط ندارد ابطال شد
۱۴	هیأت وزیران	۱۴۰۰/۱۰/۲۸	رأی شماره ۲۸۲۳ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: تعیین مبلغ تضمین شده تسهیم درآمد در ردیف ۳ جدول موضوع بندها و مفاد بند ۲ مصوبه شماره ۱۰۹۳۵۱/ت/۱۰۹۳۵۱-هـ-۵۲۴۶۷ مورخ ۱۳۹۴/۸/۲۰ هیأت وزیران که عملاً به معنای افزودن عنوانی جدید به حکم مقرر در قانون است و همچنین بند ۱۳ مصوبه شماره ۲ جلسه شماره ۲۰۶ - ۱۳۹۳/۱۰/۲۱ کمیسیون تنظیم مقررات ارتباطات که بر اساس آن دارنده پروانه باید تا پایان مدت پروانه هر سال بخشی از مبلغ تسهیم درآمد را به عنوان حداقل مبلغ تسهیم درآمد تضمین کرده و حداکثر تا آخرین روز هر سال قراردادی پرداخت کند از تاریخ تصویب ابطال شد

قوانین و مقررات عمومی

شماره ۹۹۰۳۱۵۶

۱۴۰۰/۱۰/۲۹

بسمه تعالی

جناب آقای اکبرپور

رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۱۴۰۰۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۲۶۶۷ الی ۱۴۰۰۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۲۶۶۷ مورخ ۱۴۰۰/۱۰/۷ با موضوع: «بخشنامه ۱۴۰۳ سازمان تأمین اجتماعی (موضوع بخشنامه شماره ۱۰۰۰/۹۹/۶۵۳۲ - ۱۳۹۹/۷/۱۹ مدیرعامل سازمان تأمین اجتماعی) با عنوان بخشنامه معافیت از پرداخت حق بیمه سهم کارفرما تا میزان ۵ نفر کارگر و نامه شماره ۵۰۰۰/۹۹/۸۷۰ - ۱۳۹۹/۶/۲۹ معاون بیمه‌ای سازمان تأمین اجتماعی با موضوع لغو اجرای ماده ۶۳ قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت که متضمن عدم اعمال معافیت مذکور به جهت عدم پیش‌بینی منابع مالی آن توسط دولت در بودجه‌های سنواتی هستند از تاریخ تصویب ابطال شد.» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - یدالله اسمعیلی فرد

تاریخ دادنامه: ۱۴۰۰/۱۰/۷ شماره دادنامه: ۲۶۶۷ الی ۲۶۵۶
شماره پرونده: ۰۰۰۱۷۰۵ - ۰۰۰۱۵۳۶ - ۰۰۰۱۱۶۷ - ۰۰۰۰۹۳۴ - ۰۰۰۰۰۰۰۸ - ۰۰۰۳۲۴۷ - ۹۹۰۳۱۵۶ - ۰۰۰۲۹۹۵ - ۰۰۰۲۹۱۷ - ۰۰۰۲۳۷۷ - ۰۰۰۲۰۳۸ - ۰۰۰۱۸۷۶

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکیان: نظام صنفی کارهای کشاورزی استان اصفهان، مرکز مطالعات و پژوهشی‌های حقوقی شهر دانش با وکالت آقای هادی رحمانی و آقایان: محمد عمادی، یحیی ابراهیمی، سیدمسلم زمانی، معین آئینی، حسن احمدی، سیدسعید ریاضی، مهدی الماسی مقدم با وکالت سعید خلیلی و سیدمحسن حسینی با وکالت صلاح‌الدین عالمی و خانم‌ها: بتول عموحسنی و شهره اسفندیارپور

موضوع شکایت و خواسته: ابطال ۱- بخشنامه ۱۴۰۳ سازمان تأمین اجتماعی موضوع بخشنامه شماره ۱۰۰۰/۹۹/۶۵۳۲ - ۱۳۹۹/۷/۱۹ مدیرعامل سازمان تأمین اجتماعی ۲- نامه شماره ۵۰۰۰/۹۹/۸۷۰ - ۱۳۹۹/۶/۲۹ معاون بیمه‌ای سازمان تأمین اجتماعی **گردش کار:** شاکیان به موجب دادخواست‌هایی جداگانه ابطال بخشنامه ۱۴۰۳ سازمان تأمین اجتماعی موضوع بخشنامه شماره ۱۰۰۰/۹۹/۶۵۳۲ - ۱۳۹۹/۷/۱۹ مدیرعامل سازمان تأمین اجتماعی و نامه شماره ۵۰۰۰/۹۹/۸۷۰ - ۱۳۹۹/۶/۲۹ معاون بیمه سازمان تأمین اجتماعی را خواستار شده‌اند و در جهت تبیین خواسته به طور خلاصه اعلام کرده‌اند که:

"سازمان تأمین اجتماعی کشور طی بخشنامه شماره ۱۴۰۳ (۱۰۰۰/۹۹/۶۵۳۲) - ۱۳۹۹/۷/۱۹ اجرای ماده واحده قانون معافیت از پرداخت سهم بیمه سهم کارفرمایانی که حداکثر ۵ نفر کارگر دارند (مصوب ۱۳۶۱/۱۲/۱۶ مجلس شورای اسلامی) و ماده ۶۳ قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت ۲ را لغو نموده است. سازمان مذکور مستند به تبصره ۱ ماده واحده قانون معافیت از سهم بیمه کارفرمایی مصوب ۱۳۶۱/۱۲/۱۶ و بند (ط) ماده ۹ و بند (ج) ماده ۷ قانون ساختار جامع نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۸۳/۳/۲۱ و تبصره‌های مندرج در قوانین بودجه‌های سنواتی سال‌های اخیر و بندهای (ج) و (ن) ماده ۲۸ و بند ۲ ماده ۲۹ قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت ۲ مصوب ۱۳۹۳/۱۲/۴ و بندهای (ت) و (ث) ماده ۷ قانون برنامه ششم توسعه و ماده ۷۱ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور و به دلیل اینکه دولت مکلف است هزینه‌های مورد نیاز سال‌های آتی اجرای قانون بیمه سهم کارفرمایی را تأمین کند و اینکه سازمان تأمین اجتماعی مجاز است صرفاً در حدود ارقام بودجه تعیین شده در قوانین بودجه سنواتی بار مالی برای دولت ایجاد نماید و چون دولت تأمین بودجه نکرده است لذا مجاز به ایجاد بار مالی جدید برای دولت در اثر اجرای این قوانین نمی‌باشد و همچنین به دلیل اینکه دولت مطالبات قبلی سازمان یادشده را پرداخت ننموده است این بخشنامه‌ها را صادر کرده است به دلایل زیر این توجیهات خلاف قانون است.

قانون معافیت سهم بیمه کارفرمایی که از سال ۱۳۶۱ تاکنون در حال اجرا می‌باشد مربوط به امور جاری کشاورزان و سایر کسبه و اصناف می‌باشد. مصداق ایجاد بار مالی جدید مشابه سایر پروژه‌های عمرانی و یا طرح‌های جدید نمی‌باشد و توقف اجرای این قانون طیف وسیعی از سرمایه‌گذاری‌های جدید در بخش کشاورزی و یا ایجاد کارگاه‌های جدید وابسته به تولید که لزوماً بایدانجام شود را تحت الشعاع قرار می‌دهد و بدون شک تأثیر منفی زیاد و مشکلات فراوانی برای تولیدکنندگان فعلی بخش کشاورزی و اشتغال این بخش خواهد گذاشت. از سال ۱۳۶۱ تاکنون این گونه نبوده است که مجلس و دولت همه ساله در قانون

بودجه‌های سنواتی اعتبارات ویژه معادل نیاز اجرای این قانون را لحاظ کنند و لذا پذیرفته نیست که به یکباره و با این ادعا اجرای این قانون متوقف گردد. سازمان تأمین اجتماعی از ابتدای سال جاری این قانون را اجرا نموده است و با فرض صحت ادعا بهتر بود تلاش خود را برای لحاظ بودجه در سال آتی انجام می‌داد و توقف اجرای این قانون در اواسط سال جاری به نظر با قوانینی که به آنها استناد می‌نماید تطبیق ندارد.

نگاه قانونگذار به بخش کشاورزی در خصوص وضع این قانون به دلیل اینکه نهاده‌ها و خدمات مورد نیاز آنها و محصولات تولیدی آنها خارج از اراده تولیدکننده، قیمت‌گذاری می‌شود و تولیدکنندگان مجبور به خرید و یا فروش به هر قیمتی که خریدار و یا فروشنده تعیین می‌نمایند بوده و درمواجهه مستقیم با عوامل طبیعی نیز هست و به همین سبب ضرر آسیب‌پذیری آن زیاد می‌باشد، نگاهی حمایتی داشته لذا از این منظر نیز با عنایت به اینکه شرایط تولیدکنندگان همان است که همیشه بوده توقف اجرای این قانون به نظر اشتباه است. در خصوص ماده ۶۳ قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت ۲ در این قانون ۲۰٪ عوارض واردات سبزیجات و صیفی‌جات را برای اجرای این قانون گذاشته لذا بودجه این کار پیش‌بینی شده است.

استدلال دیگر سازمان تأمین اجتماعی این است که بر اساس تبصره‌های مندرج در قوانین بودجه سنواتی سال‌های اخیر، بندهای (ج) و (ن) ماده ۲۸ و بند ۲ ماده ۲۹ قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۹۳/۱۲/۴، بندهای (ت) و (ث) ماده ۷ قانون برنامه ششم توسعه و ماده ۷۱ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور نیز ایجاد هرگونه تعهد بیمه‌ای و بار مالی خارج از ارقام مقرر در جداول قوانین بودجه سنواتی برای صندوق‌ها ممنوع است و تعهدات تکلیف شده فقط در حدود ارقام مذکور قابل اجراء است و سازمان مجاز به ایجاد طلب جدید از دولت نخواهد بود. مگر در مواردی که بار مالی مربوطه در قوانین بودجه سنواتی پیش‌بینی و مجوز آن قبلاً توسط سازمان برنامه و بودجه صادر شده باشد. در این استدلال نیز بی‌توجهی مقام صادرکننده بخشنامه به این امر که تعهدات ناشی از قانون «معافیت از پرداخت سهم بیمه کارفرمایانی که حداکثر ۵ نفر کارگر دارند» تعهداتی نیست که جدیداً ایجاد شده باشند و این تعهدات از قبل برای دولت و سازمان موجود بوده‌اند و تا چند سال اخیر بدون هیچ نقضی اجرا شده‌اند و لذا تعهدات ناشی از قانون مذکور مشمول قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۹۳ و نیز قانون برنامه ششم توسعه و قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور نمی‌باشد چرا که قوانین مذکور دلالت بر ایجاد تعهدات جدید دارند و ارتباطی با تعهدات قانونی پیشین ندارند و حتی مقام صادرکننده بخشنامه با عبارت «ایجاد طلب جدید» به این امر اشراف داشته است. لذا تقاضای ابطال بخشنامه و نامه مورد شکایت با اعمال ماده ۱۳ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مورد تقاضاست.

متن مقرره‌های مورد شکایت به شرح زیر است:

الف - بخشنامه ۱۴۰۳ سازمان تأمین اجتماعی موضوع بخشنامه شماره ۱۰۰۰/۹۹/۶۵۳۲ - ۱۳۹۹/۷/۱۹:

"حوزه: معاونت بیمه ای

موضوع: بخشنامه معافیت از پرداخت حق بیمه سهم کارفرما تا میزان ۵ نفر کارگر

مدیران کل تأمین اجتماعی استان

پیرو بخشنامه‌ها و دستورهای اداری منتهی به بخشنامه ۱۴۰۳ به شماره ۱۴۰۰۶ - ۱/۴۰۶ مورخ ۸۳/۱۲/۲۵ و با توجه به اینکه طبق تبصره یک ماده واحده قانون معافیت از پرداخت حق بیمه سهم کارفرمایانی که حداکثر پنج نفر کارگر دارند مصوب ۶۱/۱۲/۱۶ مجلس شورای اسلامی «دولت مکلف است هزینه مورد نیاز سال‌های آتی را در بودجه سال مربوطه پیش‌بینی و منظور نماید.» و از سوی دیگر وفق بند (ط) ماده ۹ قانون ساختار جامع رفاه و تأمین اجتماعی مصوب ۸۳/۱۲/۲۱ ارائه تعهدات بیمه‌ای صندوق‌ها در قبال افراد عضو و تحت پوشش بر اساس قاعده عدالت و به تناسب میزان مشارکت (سنوات و میزان پرداخت حق بیمه) و با تنظیم ورودی‌ها و خروجی‌ها طبق محاسبات بیمه‌ای صورت می‌پذیرد «که مراتب به موجب دادنامه شماره ۱۹ - ۱۳۹۱/۱/۲۱ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری نیز مورد تأیید واقع گردیده است. همچنین مطابق مفاد بند (ج) ماده ۷ قانون ساختار جامع رفاه و تأمین اجتماعی «اجرای تصمیمات و احکام دولت در جهت کاهش منابع و یا افزایش مصارف و تعهدات صندوق‌ها و مؤسسات بیمه‌ای منوط به تأمین منابع مالی معادل آن خواهد بود...» و بر اساس تبصره‌های مندرج در قوانین بودجه سنواتی سال‌های اخیر، بندهای (ج) و (ن) ماده ۲۸ و بند ۲ ماده ۲۹ قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۲) مصوب ۹۳/۱۲/۴، بندهای (ت) و (ث) ماده ۷ قانون برنامه ششم توسعه و ماده ۷۱ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور نیز ایجاد هرگونه تعهد بیمه‌ای و بار مالی خارج از ارقام مقرر در جداول قوانین بودجه سنواتی برای صندوق‌ها ممنوع است و تعهدات تکلیف شده فقط در حدود ارقام مذکور قابل اجرا است و سازمان مجاز به ایجاد طلب جدید از دولت نخواهد بود، مگر در مواردی که بار مالی مربوطه در قوانین بودجه سنواتی پیش‌بینی و مجوز آن قبلاً توسط

استفاده می‌نمایند تا میزان ۵ نفر کارگر از پرداخت حق بیمه سهم کارفرما معاف بوده و از ۵ نفر به بالا نسبت به مازاد ۵ نفر حق بیمه را خواهند پرداخت.

تبصره ۱- دولت مکلف است هزینه مورد نیاز سال‌های آتی را در بودجه سال مربوطه پیش‌بینی و منظور نماید... بنابراین کارفرمایان کارگاه‌های مشمول از آغاز سال ۱۳۶۲ می‌توانند از تسهیلات پیش‌بینی شده بهره‌مند گردند. در این راستا بدو فهرست کارگاه‌های مشمول طی تصویب‌نامه شماره ۱۶۰۰۲-۱۳۶۲/۳/۱۲ به تصویب هیأت وزیران رسید و سپس با فهرست مصوبه شماره ۱۰۶۲۵۴-۱۳۶۹/۲/۱۲ جایگزین گردیده است.

طبق تبصره ۱ ماده واحده قانون معافیت از پرداخت سهم بیمه کارفرمایانی که حادثه ۵ نفر کارگر دارند دولت را مکلف نموده هزینه مورد نیاز سال‌های آتی را در بودجه سال مربوطه پیش‌بینی و منظور نماید. در این ارتباط و بر اساس ماده ۶۳ الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۹۳/۱۲/۴ مجلس شورای اسلامی مقرر گردیده: «کارفرمایان و کشاورزان کارگاه‌های کشاورزی تحت شمول نظام صنفی کشاورزان با هر متر از زمین مشمول قانون معافیت از پرداخت سهم بیمه کارفرمایی که حداکثر ۵ نفر کارگر دارند مصوب ۱۳۶۱/۱۲/۱۶ و اصلاحات بعدی آن می‌باشند. اعتبار لازم بابت اجرای این حکم از محل بیست درصد ردیف درآمد ۱۳۲-۱۶۰ مندرج در قوانین بودجه سنواتی به عنوان «درآمد حاصل از اخذ عوارض از واردات میوه و سبزیجات» تأمین و به سازمان تأمین اجتماعی پرداخت شود.» با عنایت به مراتب فوق و اینکه به موجب تبصره ۱ قانون مذکور دولت مکلف شده هزینه‌های مورد نیاز سال‌های آتی را در بودجه سال مربوطه پیش‌بینی و منظور نماید که این امر (تأمین اعتبار) تاکنون محقق نشده است. مطابق بندهای (ح) و (ن) ماده ۲۸ قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت ۲ مصوب ۱۳۹۳/۱۲/۴ مقرر گردیده:

ح - ایجاد و تحمیل هرگونه بار مالی مازاد بر ارقام مندرج در قوانین بودجه سنواتی، توسط دستگاه‌های اجرایی از جمله دستگاه‌های مباشر دولت در موارد مختلف از قبیل خرید تضمینی و هزینه‌های تبعی خرید، جبران زیان، تفاوت قیمت، تنظیم بازار، یارانه نهاده‌ها و غیر آن، ایفای تعهدات خاص، کالاهای اساسی، جایزه صادراتی و مانند آن که از اعتبارات عمومی استفاده می‌شود، ممنوع است. مسئولیت اجرای حکم بر عهده بالاترین مقام دستگاه اجرایی و یا مقامات مجاز و مدیران مالی مربوط است. تخلف از این حکم و سایر موارد تعهد زائد بر اعتبار محسوب و مشمول مجازات مربوط می‌شود.

ن - تصویب‌نامه‌ها، بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌ها، تغییر تشکیلات، تغییر ضرایب، جداول حقوقی و طبقه بندی مشاغل و افزایش مبنای حقوقی، اعطای مجوز هر نوع استخدام و به کارگیری نیرو و مصوبات هیأت امنای دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی که متضمن بار مالی برای دولت و صندوق‌های بازنشستگی و دستاورد اجرایی باشد، در صورتی قابل طرح و تصویب و اجرا است که بار مالی ناشی از آن در گذشته محاسبه و در قانون بودجه کل کشور یا منابع داخلی دستگاه اجرایی ذی‌ربط تأمین شده باشد. اقدام دستگاه اجرایی برخلاف این حکم تعهد زائد بر اعتبار محسوب می‌شود.

از سوی دیگر در بند ۲ ماده ۲۹ قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت نیز مقرر گردیده، ایجاد هرگونه تعهد بیمه‌ای و بار مالی خارج از ارقام مقرر در جداول قوانین بودجه سنواتی برای صندوق‌ها ممنوع است. تعهدات تکالیف شده فقط در حدود ارقام مزبور قابل اجرا است. موضوعی که مطابق نص صریح بند (ج) ماده ۷ قانون ساختار جامع رفاه بر آن تأکید گردیده «به اجرای تصمیمات و احکام دولت در جهت کاهش منابع و یا افزایش مصارف و تعهدات صندوق‌ها و مؤسسات بیمه‌ای منوط به تأمین منابع مالی آن خواهد بود.» از سوی دیگر در بند (د) همین ماده تصریح گردیده که وجوه اموال ذخائر و داراییهای صندوق‌های بیمه اجتماعی و درمانی در حکم اموال عمومی بوده و مالکیت آن مشاع و متعلق به همه نسل‌های جامعه تحت پوشش است. هرگونه تصرف دولت در این اموال و رابطه مالی دولت با صندوق‌های موصوف در چارچوب قوانین و مقررات مورد عمل صندوق‌ها خواهد بود. ضمن اینکه سازمان تأمین اجتماعی به موجب مواد ۳ و ۷ قانون ساختار رفاه و تأمین اجتماعی ملزم و مکلف به نظارت بر تعادل منابع و مصارف صندوق‌ها بر اساس علم و محاسبات بیمه‌ای در جهت حمایت از حقوق بیمه‌شدگان گردیده و از این که بخشی از منابع برخلاف اصول بیمه‌ای به برخی از بیمه‌شدگان اختصاص دهد، منع گردیده است و طبق تبصره ۱ ماده واحده قانون معافیت از پرداخت حق بیمه سهم کارفرمایانی که حداکثر ۵ نفر کارگر دارند مصوب ۱۳۶۱/۱۲/۱۶ مجلس شورای اسلامی، دولت مکلف است هزینه مورد نیاز سال‌های آتی را در بودجه سال مربوطه پیش‌بینی و منظور نماید که مطابق قوانین و مقررات یاد شده از محل بودجه عمومی یا اعتبارات دولتی، نخست منابع مالی آنها را تأمین نماید. موضوعی که اصل ۷۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مقرر می‌دارد که همه قوانین و مقررات باید در چارچوب آن پیش‌بینی و به تصویب برسند. ضمناً با عنایت به بندهای (ت) و (ث) ماده ۷ قانون برنامه پنجساله ششم توسعه جمهوری اسلامی ایران و اینکه ابلاغیه‌های منابع و مصارف این سازمان از محل قوانین بودجه سنواتی کشور از سوی معاون رئیس‌جمهور و رئیسی سازمان برنامه و بودجه کشور و تأکید بر اجرای هر یک از قوانین منحصر تا سقف اعتبارت تخصیص یافته

سازمان برنامه و بودجه صادر شده باشد، لذا واحدهای اجرایی صرفاً در حدود ارقام پیش‌بینی شده در بودجه سنواتی کل کشور مجاز به اعمال معافیت در خصوص کارگاه‌های جدیدالتأسیس می‌باشند و می‌بایست از اعمال معافیت خارج از ارقام و اعتبارات پیش‌بینی شده خودداری نمایند و مسئولیت ایجاد هرگونه بار مالی جدید خارج از قوانین فوق به‌عهده مدیران و سرپرستان بلافصل خواهد بود.

ضمناً در خصوص کارگاه‌هایی که تا کنون از قانون معافیت از پرداخت حق بیمه سهم کارفرمایانی که حداکثر پنج نفر کارگر دارند استفاده نکرده‌اند، تداوم شمول به تسهیلات مقرر در قانون مذکور در صورت احراز شرایط و برابر مقررات، صرف نظر از پیش‌بینی و تأمین بار مالی آن بلامانع و در صورت برچیده شدن و یا تعطیلی کارگاه قبلی و شروع فعالیت با کارفرمای جدید در همان محل، واحدهای اجرایی در خصوص کارگاه‌های مزبور نیز در حدود ارقام پیش‌بینی شده در بودجه سنواتی کل کشور مجاز به اعمال معافیت خواهند بود. بدیهی است در صورت پیش‌بینی و تأمین اعتبار لازم و تصویب آن در قوانین بودجه سنواتی و ابلاغ آن به سازمان، مراتب آتی جهت اقدام به واحدهای اجرایی اعلام خواهد شد.

لازم به ذکر است با امان نظر به طرح و تصویب ماده ۷۱ قانون برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و آیین‌نامه اجرایی مربوطه موضوع مصوبه شماره ۳۲۷۲۶/ت/۵۵۹۵۹ هـ - ۱۳۹۸/۳/۲۱ هیأت وزیران در خصوص برخورداری کارفرمایان و کارآفرینان بخش خصوصی و تعاونی از تسهیلات معافیت حق بیمه سهم کارفرمایی بابت جذب نیروی کار تحصیل کرده دانشگاهی (در قالب طرح کارورزی) که بار مالی ناشی از اجرای آن قبلاً تأمین و پرداخت گردیده است و از طرح‌های اولویت دار در زمینه اشتغال زایی وزارت متبوع بوده و سهم بسزایی در ایجاد اشتغال واقعی نیروی کار دارد، کارفرمایان کارگاه‌های فوق‌الذکر نیز می‌توانند در صورت احراز سایر شرایط از تسهیلات مقرر که قبلاً طی بخشنامه ۱۰۰/۹۸/۱۲۵۰۸ - ۹۸/۱۰/۱۴ اجرایی و عملیاتی گردیده است برخوردار گردند. مرکز فناوری اطلاعات، آمار و محاسبه همزمان با صدور بخشنامه می‌بایستی نسبت به انجام اقدامات لازم در زمینه اصلاح و ارسال نرم افزار مربوطه به واحدهای اجرایی اقدام نماید. مسئول حسن اجرای این بخشنامه مدیران کل، معاونین منابع بیمه‌ای، رؤسای ادارت وصول حق بیمه، رؤسا و معاونین امور بیمه‌ای و مسئولین ذی‌ربط شعب می‌باشند. - مدیرعامل سازمان تأمین اجتماعی "

ب - نامه شماره ۵۰۰۰۹۹/۸۷۰ - ۱۳۹۹/۶/۲۹ معاون بیمه‌ای سازمان تأمین اجتماعی: " سرپرست محترم اداره کل تأمین اجتماعی استان اصفهان موضوع: ماده ۶۳ قانون الحاقی

احتراماً بازگشت به نامه شماره ۲۹۰/۹۸/۶۸۶۵۲ - ۱۳۹۸/۱۲/۲۱ در خصوص اعمال معافیت حق بیمه سهم کارفرمایی کارفرمایان بخش کشاورزی اعلام می‌دارد:

۱- بر اساس ماده ۶۳ الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۹۲/۱۲/۴ مجلس شورای اسلامی مقرر گردیده است: «کارفرمایان و کشاورزان کارگاه‌های کشاورزی تحت شمول نظام صنفی کشاورزان با هر متر از زمین مشمول قانون معافیت از پرداخت سهم بیمه کارفرمایی که حداکثر ۵ نفر کارگر دارند مصوب ۶۱/۱۲/۱۶ و اصلاحات بعدی آن می‌باشند. اعتبار لازم بابت اجرای این حکم از محل بیست درصد ردیف درآمد ۱۳۲-۱۶۰ مندرج در قوانین بودجه سنواتی به عنوان «درآمد حاصل از اخذ عوارض از واردات میوه و سبزیجات» تأمین و به سازمان تأمین اجتماعی پرداخت شود» که این امر (تأمین اعتبار) تاکنون تحقق نیافته است.

با عنایت به مراتب فوق، این سازمان مجاز به اعمال معافیت حق بیمه سهم کارفرمایی کارفرمایان بخش کشاورزی، بدون تأمین اعتبار مربوطه نخواهد بود و طبق ماده ۲۸ و بند (و) ماده ۲۹ قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت در حکم «تعهد زاید بر اعتبار» بوده و به موجب قوانین متعدد از جمله بندهای (ح) و (ن) ماده ۲۸ و همچنین بندهای (ت) و (ث) ماده ۷ قانون برنامه ششم توسعه و خصوصاً ابلاغ منابع و مصارف این سازمان از محل قانون بودجه سال ۹۸ کل کشور از سوی معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان برنامه و بودجه کشور طی نامه شماره ۱۴۱۹۳-۹۸/۱/۱۱ و تأکید بر اجرای هر یک از قوانین منحصر تا سقف اعتبارات تخصیص یافته، واجد آثار حقوقی و کیفری بوده و تداوم پوشش بیمه‌ای کارفرمایان بخش مذکور را با مشکل اساسی مواجه خواهد نمود. لذا خواهشمند است دستور فرمایید ترتیبی اتخاذ گردد تا کارفرمایان فوق‌الذکر در اجرای بخشنامه مشترک فنی درآمد و همانند سایر بیمه‌شدگان و به مأخذ کامل (۲۷٪ و بدون بیمه بیکاری) نسبت به ارسال لیست و پرداخت حق بیمه اقدام نمایند. - معاون بیمه‌ای "

در پاسخ به شکایت مذکور، مدیرکل امور حقوقی و قوانین سازمان تأمین اجتماعی به موجب لوایح شماره ۷۱۰۰/۱۴۰۰/۱۶۷۲ - ۱۴۰۰/۳/۱۷ و ۷۱۰۰/۱۴۰۰/۳۱۳۲ - ۱۴۰۰/۵/۱۷ توضیح داده است که:

" طبق ماده واحده قانون معافیت از پرداخت سهم بیمه کارفرمایانی که حداکثر ۵ نفر کارگر دارند مصوب ۱۳۶۱/۱۲/۱۶ مقرر گردیده، از آغاز سال ۱۳۶۲ کارفرمایان کلیه کارگاه‌های تولیدی و صنعتی و فنی که از خدمات دولتی (از قبیل برق، آب، تلفن، راه)

اعمال معافیت واجد آثار حقوقی و کیفری بوده است بدیهی است در صورت پیش‌بینی و تخصیص و تأمین اعتبار لازم در جدول قوانین بودجه سنواری کل کشور، اعمال معافیت حق بیمه سهم کارفرمایی کارفرمایان در خصوص کارگاه‌های جدیدالتاسیس میسر خواهد بود. هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۴۰۰/۱۰/۷ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

براساس ماده واحده قانون معافیت از پرداخت سهم بیمه کارفرمایانی که حداکثر پنج نفر کارگر دارند مصوب ۱۳۶۱/۱۲/۱۶: «از آغاز سال ۱۳۶۲ کارفرمایان کلیه کارگاه‌های تولیدی و صنعتی و فنی که از خدمات دولتی (از قبیل برق، آب، تلفن، راه) استفاده می‌نمایند تا میزان ۵ نفر کارگر از پرداخت حق بیمه سهم کارفرما معاف بوده و از ۵ نفر به بالا نسبت به مازاد ۵ نفر حق بیمه را خواهند پرداخت» و به موجب تبصره ۱ این ماده واحده نیز مقرر شده است که: «دولت مکلف است هزینه مورد نیاز سالهای آتی را در بودجه سال مربوطه پیش‌بینی و منظور نماید.» ثانیاً: براساس ماده ۶۳ قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۲) مصوب ۱۳۹۳/۱۲/۴: «کارفرمایان و کشاورزان کارگاه‌های کشاورزی تحت شمول نظام صنفی کشاورزان با هر متر از زمین، مشمول قانون معافیت از پرداخت سهم بیمه کارفرمایی که حداکثر پنج نفر کارگر دارند مصوب ۱۳۶۱/۱۲/۱۶ و اصلاحات بعدی آن می‌باشند. اعتبار لازم بابت اجرای این حکم از محل بیست درصد ردیف درآمدی ۱۳۲۲۱۶۰ مندرج در قوانین بودجه سنواری با عنوان «درآمد حاصل از اخذ عوارض از واردات میوه و سبزیجات» تأمین و به سازمان تأمین اجتماعی پرداخت می‌شود.» ثالثاً: مستفاد از مفاد رأی شماره ۱۲۶۴ الی ۱۲۶۷ - ۱۳۹۹/۱۰/۹ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری این است که عدم پرداخت مبالغ مربوط به پوشش‌های بیمه‌ای توسط دولت به سازمان تأمین اجتماعی، نافی تعهدات سازمان مذکور نخواهد بود. بنا به مراتب فوق، معافیت از پرداخت سهم بیمه کارفرمایانی که حداکثر پنج نفر کارگر دارند، به حکم قانونگذار لازم‌الاجرا است و هرچند براساس تبصره ۱ ماده واحده قانون معافیت از پرداخت سهم بیمه کارفرمایانی که حداکثر پنج نفر کارگر دارند مصوب ۱۳۶۱/۱۲/۱۶ و ماده ۴ آیین‌نامه اجرایی قانون مزبور، دولت و وزارت امور اقتصادی و دارایی به ترتیب مکلف به پیش‌بینی هزینه اجرای حکم مقرر در این ماده واحده در بودجه سال مربوطه و پرداخت آن به سازمان تأمین اجتماعی هستند و هزینه‌های مزبور تا زمان عدم پرداخت آنها جزء دیون دولت به سازمان تأمین اجتماعی محسوب می‌شوند، ولی با توجه به تکلیف قانونی سازمان تأمین اجتماعی در این خصوص، عدم تأمین اعتبار مربوطه رافع تعهدات سازمان تأمین اجتماعی در اجرای تکلیف خود نخواهد بود و بر همین اساس، بخشنامه ۱۴۰۳/۳ سازمان تأمین اجتماعی (موضوع بخشنامه شماره ۱۰۰۰/۹۹/۶۵۳۲ - ۱۳۹۹/۷/۱۹ مدیرعامل سازمان تأمین اجتماعی) با عنوان بخشنامه معافیت از پرداخت حق بیمه سهم کارفرما تا میزان ۵ نفر کارگر و نامه شماره ۵۰۰۰/۹۹/۸۷۰ - ۱۳۹۹/۶/۲۹ معاون بیمه‌ای سازمان تأمین اجتماعی با موضوع لغو اجرای ماده ۶۳ قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت که متضمن عدم اعمال معافیت مذکور به جهت عدم پیش‌بینی منابع مالی آن توسط دولت در بودجه‌های سنواری هستند، خارج از حدود اختیار و خلاف قانون بوده و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و مواد ۱۳ و ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ از تاریخ تصویب ابطال می‌شوند.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - حکمتعلی مظفری

شماره ۹۸۰۲۱۶۹

۱۴۰۰/۱۱/۱۶

بسمه تعالی

جناب آقای اکبرپور

رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۱۴۰۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۲۸۲۲ و ۱۴۰۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۲۸۲۱ مورخ ۱۴۰۰/۱۰/۲۱ با موضوع: «اتلاق تبصره ۲ بند ۴۸ شیوه‌نامه فنی و اجرایی ضبط و شرایط بهره‌برداری از مراتع کشور موضوع مصوبه شماره ۹۵/۱/۱۴۱۰۵ مورخ ۱۳۹۵/۶/۲ سازمان جنگل‌ها و مراتع و آبخیزداری کشور مطابق نظریه فقهای شورای نگهبان از تاریخ تصویب ابطال شد.» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - یدالله اسمعیلی فرد

تاریخ دادنامه: ۱۴۰۰/۱۰/۲۱ شماره دادنامه: ۲۸۲۲-۲۸۲۱

شماره پرونده: ۹۸۰۳۸۶۵ و ۹۸۰۲۱۶۹

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکیان: ۱- خانم لاله زار بهرامی آلیوندی با وکالت آقای مهرداد بهرامی آلیوندی

۲- آقای ابوالفضل نقدلو

موضوع شکایت و خواسته: ابطال تبصره ۲ بند ۴۸ شیوه‌نامه فنی و اجرایی ضوابط و شرایط بهره‌برداری از مراتع کشور موضوع مصوبه شماره ۹۵/۱/۱۴۱۰۵ مورخ ۱۳۹۵/۶/۲ سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور

گردش کار: شاکیان به موجب دادخواست‌های جداگانه‌ای ابطال تبصره ۲ بند ۴۸ شیوه‌نامه فنی و اجرایی ضوابط و شرایط بهره‌برداری از مراتع کشور موضوع مصوبه شماره ۹۵/۱/۱۴۱۰۵ مورخ ۱۳۹۵/۶/۲ سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور را خواستار شده‌اند و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده‌اند که:

الف - متن دادخواست خانم لاله زار بهرامی آلیوندی با وکالت آقای مهرداد بهرامی:

«احتراماً به استحضار می‌رسانم که پدر موکل مرحوم آقای علی بهرامی آلیوندی به‌موجب سوابق موجود در اداره خواننده و همچنین دفترچه طرح مرتعداری گرازی هنگام، و سند رسمی تنظیمی در دفترخانه ۸ شیراز به مورخ ۱۳۷۰/۱۲/۸ به مدت ۳۰ سال مستاجر و حق استفاده و بهره‌برداری از منابع موجود در ۷۹۶ هکتار از اراضی ملی را به حدود اربعه نقشه طرح مرتعداری دارد (معروف به گرازی هنگام تحت پلاک ۱۱۸۴) که این موضوع به صراحت در دفترچه طرح مرتعداری و سند رسمی مورخ ۱۳۷۸/۱۲/۸ اشاره شده است. لذا با توجه به اینکه پس از فوت حق منتفع به قائم مقام‌های نامبرده (وارث) قهرماً منتقل می‌شود و به موجب قانون هیچ کس حق ندارد برخلاف یا نسبت به حق و حقوق دیگری تصمیم اتخاذ نماید، اظهار می‌دارم که پس از فوت پدر موکل یک طرف قرارداد اجاره بوده حق استفاده نامبرده به میزان سهم‌الارث به موکل رسیده، بنابراین تبصره ۲ ذیل ماده ۴۸ تعارض آشکاری با حقوق قانونی موکل دارد چراکه سایر ورثه که رابطه نسبی آنها با موکل فقط پدری می‌باشد و از نسب مادری تفاوت دارند (مرحوم علی بهرامی آلیوندی دو همسر داشته است) به استناد تبصره مذکور در حال انتقال حق و حقوق موکل به نام خود می‌باشند بنابراین به موجب دادخواست تقدیمی تقاضای ابطال تبصره ۲ ماده ۴۸ که تعارض آشکاری با حق و حقوق موکل و شرع و قانون دارد را خواستارم.»

در پی اخطار رفع نقضی که از طرف دفتر هیأت عمومی دیوان عدالت اداری برای وکیل شاکی ارسال شده بود وی به موجب لایحه‌ای که به شماره ۹۸ - ۳۸۶۵ - ۲ مورخ ۱۳۹۸/۱۱/۷ ثبت دفتر هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری شده توضیح داده است که:

الف - در خصوص اینکه مصوبه مذکور مغایر با کدام قانون می‌باشد و ذکر مواد قانونی: همان طور که مستحضری تبصره ۲ ذیل ماده ۴۸ شیوه‌نامه نوعی تصمیم گیری در خصوص مالکیت دیگری و سلب مالکیت از دیگری می‌باشد، به عبارتی سهم برخی وراث را بدون رضایت سلب و به برخی دیگر از وراث منتقل می‌نماید. صرفاً به این دلیل که دوسوم وراث توافق نموده اند، در حالی که به موجب قانون مدنی ماده ۳۰ و ۳۱ (اصل تسلیط) هر مالکی حق هرگونه تصرف اعم از حقوقی و مادی را در اموال خود دارد و به هیچ وجه مالکیت را از آنها نمی‌توان سلب نمود مگر به حکم قانون، بنابراین تصویب تبصره ۲ ذیل ماده ۴۸ تعارض آشکاری با مواد فوق‌الذکر دارد و دیگر اینکه به موجب اصول ۲۲ و ۴۷ قانون اساسی نیز نمی‌توان مالکیت را از اشخاص سلب نمود در حالی که تبصره به صراحت سهم‌الارث برخی وراث را سلب و بدون رضایت ایشان به سایر وراث منتقل می‌نماید و همچنین به ارث رسیدن حق به ورثه به صورت قهری نوعی حق عینی از نوع مالکیت می‌باشد که کاملترین نوع حق می‌باشد و تبصره مذکور با کاملترین نوع حق در تعارض آشکار می‌باشد.

ب - اعلام مرجع تصویب شیوه‌نامه: قابل ذکر است که به موجب ماده ۱۰ آیین‌نامه قانون اصلاح تبصره ۱ ماده ۴۷ قانون بخشی از مقررات مالی دولت سازمان مکلف بوده که در اجرای آیین‌نامه شیوه‌نامه‌های فنی و اجرایی لازم را تهیه و جهت اجرا به واحدهای استانی و ستادی ابلاغ نماید که به موجب بند (الف) ماده ۱ آیین‌نامه مذکور (تبصره ۱ ماده ۴۷ بخشی از مقررات مالی دولت) اصطلاح سازمان به معنی سازمان جنگل‌ها و مراتع و آبخیزداری کشور به کار رفته است، بنابراین شیوه‌نامه مذکور توسط مشتکی عنه پرونده سازمان جنگل‌ها و مراتع تصویب شده است.

ج - در خصوص خلاف شرع بودن تبصره ۲ ماده ۴۸: بدیهی است که در دین مبین اسلام در تمامی پایه اساس اعم از قرآن، عقل، سنت، اجماع، سیره و روایات اموال و حقوق و مالکیت، مردم محترم شمرده شده و به صراحت در آیه‌های مختلف قرآنی به احترام مطلق آن اشاره شده است و مهمترین آن اکل مال بالباطل (مال هیچ مسلمان، حلال نیست مگر به رضایت او) و همچنین حدیث لایحل لاهری مال اخیه الا عن طیب نفسه (تصرف در مال غیر جز از طریق جلب رضایت مالک ممنوع شده است) و دیگر اینکه حرمة مال المسلم کحرمة دمه (مال مسلمان مانند خونسش محترم شمرده شده است) ان الناس مسطون علی اموالهم (همانا مسلمانان بر اموال خود تسلط کامل دارند) و همچنین آیه شریفه ۲ و ۲۲ سوره نساء و آیه ۱۸۸ سوره بقره، با توجه به گفته‌های اخیرالذکر متوجه خلاف شرع بودن تبصره ۲ ماده ۴۸ شیوه‌نامه خواهید شد چرا که مال ورثه را محترم نشمرده و بدون رضایت مال برخی از وراث را سلب می‌نماید.

۳- لعان: اگر مردی انتساب فرزندی به خودش را انکار کند و به زن خود تهمت زنا بزند، رابطه توارث میان آنها از بین می‌رود، یعنی بعد از لعان، زن و شوهر دیگر از هم ارث نمی‌برند. به علاوه اینکه رابطه توارث میان فرزند با پدر هم قطع می‌شود. یعنی نه پدر از فرزندی که او را انکار کرده است ارث می‌برد و نه فرزند از پدر ارث خواهد برد. در این شرایط چنین فرزندی تنها از خویشاوندان مادری خود ارث می‌برد و متقابلاً خویشاوندان مادری نیز از او ارث خواهند برد.

۴- ولادت از زنا: مطابق ماده ۸۸۴ قانون مدنی ولد الزنا از پدر، مادر و اقوام آنان ارث نمی‌برد. ۵- جنین: یکی دیگر از موانع ارث جنین است. مطابق ماده ۸۷۸ قانون مدنی هرگاه در هنگام فوت مورث، جنینی وجود داشته باشد که زنده به دنیا آمدن او موثر در تقسیم ارث باشد و به عبارتی مانع از ارث تمام یا برخی دیگر از ورثه باشد، تقسیم به عمل نمی‌آید تا وضعیت جنین نیز مشخص شود.

۶- غایب مفقودالاث: مطابق ماده ۸۷۹ قانون مدنی اگر بین وراث، غایب مفقودالاث باشد سهم او کنار گذاشته می‌شود تا وضعیت او روشن شود.

۷- برده بودن: یکی دیگر از موانع ارث در فقه، برده بودن است که در حال حاضر با توجه به لغو برده داری احکام راجع به آن نیز منتفی است.

حال با عنایت به مراتب فوق به نظر می‌رسد که شیوه‌نامه فنی و اجرایی که در تبصره ۲ ماده ۴۸ این قواعد آمده و شرعی را نادیده گرفته است و با نصاب تعیین شده برخی از ورثه را به طور کلی از اظهارنظر در خصوص ماترک مورث محروم نموده است صراحتاً مخالف شرع انور می‌باشد و اداره و سازمان و کمیسیون مزبور تحت هیچ شرایطی حق تصویب چنین مصوبه‌ای را نداشته است. البته تبصره ۲ ماده ۴۸ از شیوه‌نامه فنی و اجرایی ضوابط و شرایط بهره‌برداری از مراتع کشور به شرحی که گذشت مخالف شرع بین تلقی می‌شود و درخور نقض و ابطال می‌باشد که به شرح دادخواست تقدیمی درخواست ابطال آن به حضور ایفاد گردیده است.

متن مقرر مورد شکایت به شرح زیر است:

" وزارت جهاد کشاورزی - سازمان جنگلها، مراتع و آبخیزداری - معاونت آبخیزداری، امور مراتع و بیابان - دفتر امور مراتع شیوه‌نامه فنی و اجرایی ضوابط و شرایط بهره‌برداری از مراتع کشور شماره ۱۳۹۵/۶/۲ - ۹۵/۱/۱۴۱۰۵

۴۸- در صورت فوت دارنده پروانه چرای دام، یکی از وراث قانونی می‌تواند با کسب وکالت محضری یا مصالحه با سایر وراث حداکثر ظرف مدت دو سال پروانه چرای دام دریافت نماید. تبصره ۲- در صورت توافق و رضایت حداقل دوسوم وراث، اداره کل می‌تواند پروانه چرای نام احدی از وراث صادر نماید.

در پاسخ به شکایت مذکور، مدیرکل دفتر حقوقی سازمان جنگلها، مراتع و آبخیزداری کشور به موجب لایحه شماره ۹۸/۱۸/۲۰۵۸۳ - ۱۳۹۸/۶/۱۶ توضیح داده است که:

" به دلالت و تصریح تبصره ۱ ماده ۳ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگلها و مراتع، بهره‌برداری از مراتع جهت تغلیف دام برابر ضوابط و شرایطی خواهد بود که به وسیله وزارت منابع طبیعی (سازمان جنگلها و مراتع کشور) اعلام خواهد شد. از سوئی حسب ماده واحده قانون اصلاح تبصره ۱ ماده ۴۷ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مرجع اعطاء مجوز ابطال و انتقال پروانه چرای دام، سازمان جنگلها، مراتع و آبخیزداری کشور بوده که این سازمان نیز حسب اختیار و مجوز حاصله از قانون و با توجه به حکم مندرج در ماده ۱۰ آیین‌نامه مربوطه که مکلف به تنظیم شیوه‌نامه‌های فنی و اجرایی لازم، جهت اجرا، با نگرش حفظ و احیاء و بهره‌برداری اصولی مراتع بوده مبادرت به تهیه و تدوین شیوه‌نامه مربوطه نموده است.

۲- با توجه به مراتب فوق و نیز تکلیف سازمان در جهت پیش‌بینی موارد فنی و اجرایی حسب ماده ۱۰ آیین‌نامه در شیوه‌نامه مذکور با اصلاحات بعدی در سه فصل با رویکرد کنترل ورود و خروج دام به مراتع با توجه به ظرفیت چرای جهت جلوگیری از تخریب و اضمحلال منابع پایه اعم از آب، خاک و پوشش گیاهی، تفکیک مراتع و نحوه بهره‌برداری از آن اعم از مراتع مشجر غیرمشجر روستایی و عمومی، اعلام قرق در مناطق بحرانی با توجه به روند تخریب و خشکسالی به منظور پایداری تولید و منع زیان‌های اقتصادی اجتماعی و زیست محیطی تنظیم گردیده است. علاوه بر موارد مذکور تعیین هیأت‌های ممیزی جهت تشخیص و تعیین دامدار صاحب حق و تنسیق مرتع و صدور پروانه چرای ابطال پروانه چرای دامداران متخلف، تعیین ظرفیت چرای در فصل بهره‌برداری، تعیین و تشکیل کمیسیونهای تخصصی به منظور رسیدگی به اعتراضات اشخاص به ممیزیهای انجام شده و سایر امور مربوط به مراتع از دیگر احکامی بوده که پیش‌بینی و تعیین تکلیف شده است و سالهاست که مراتع کشور بر همین مبنا و معیار، مدیریت گردیده که قطعاً ابطال ضوابط مورد نظر که حاوی موارد فنی و تخصصی بوده موجبات از هم گسیختگی مدیریت چرای، تشخیص و تعیین دامدار ذیحق، ممیزی مراتع و بلاتکلیفی معترضین را به دنبال خواهد داشت.

شرح دفاعیات: ۱- دعوای شاکی به لحاظ شکلی مشخص نمی‌باشد که آیا ناظر به ابطال قسمتی از شیوه‌نامه بوده یا ابطال تمامی شیوه‌نامه را مد نظر داشته است.

توضیحات: همان طور که مستحضرد در عقود لازم با فوت طرفین عقد منحل نخواهد شد و حق و حقوق طرفین به قائم مقام قانونی آنها به ارث خواهد رسید. بنابراین با توجه به اینکه بین مورث موکل و اداره منابع طبیعی به موجب سند رسمی و دفترچه طرح مرتعداری عقد موجد حق انتفاع و اجاره که هر دو عقدی لازم می‌باشد در راستای مقررات منعقد گردیده است و مورث موکل تا مدت ۳۰ سال حق استفاده و مالکیت منفعت از اراضی موضوع طرح مرتعداری را داشته است و پس از فوت به قدر سهم الارث مالک قانونی حق مذکور به موکل به صورت قهری منتقل شده است، لذا تبصره مذکور نوعی تکلیف را برخلاف قانون و شرع به موکل تحمیل می‌نماید در حالی که خروج مال مسلمان در دین اسلام بدون رضایت مالک جایگاهی ندارد.

ب- متن دادخواست آقای ابوالفضل نقدلو:

" احتراماً به استحضار می‌رساند که آقای علی اکبر نقدلو در روستای قشلاق سرانلو از توابع بخش بوئین زهرا دارای مجوز مرتع چرای بوده و از آنجایی که نامبرده در مورخ ۱۳۸۵/۶/۳ دار فانی را وداع نموده و حالیه اینجانب ابوالفضل نقدلو فرزند آن مرحوم متوجه شده ام که آن مرتع فوق به نام ولی اله نقدلو که برادر اینجانب می‌باشد منتقل گردیده خواهشمند است دستور فرمایید به جهت اهمیت موضوع دستورات لازم را در خصوص چگونگی واگذاری به اینجانب اعلام نمایند. لازم به ذکر است با توجه به اینکه شیوه‌نامه مورد اعتراض را به اینجانب تحویل و ارائه نداند خواهشمند است وفق تبصره ۲ ماده ۲۰ قانون دیوان عدالت اداری از خواننده مطالبه شود.

در پی اخطار رفع نقصی که از طرف دفتر هیأت عمومی دیوان عدالت اداری برای شاکی ارسال شده بود، وی به موجب لایحه‌ای که به شماره ۹۸ - ۲۱۶۹ - ۵ مورخ ۱۳۹۸/۵/۱۶ ثبت دفتر هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری شده و لایحه مورخ ۱۳۹۸/۷/۲۳ توضیح داده است که:

" در خصوص رفع نقص بند ۱ نظر به تبصره ۲ ماده ۴۸ شیوه‌نامه فنی و اجرایی ضوابط و شرایط بهره‌برداری از مراتع کشور که بیان می‌دارد تبصره ۲ که در صورت توافق و رضایت حداقل دو سوم وراث اداره کل می‌تواند پروانه چرای نام احدی از وراث صادر نماید. تبصره ۲ ماده ۴۸ شیوه‌نامه مذکور به گونه‌ای تنظیم گردیده که حقوق قانونی و شرعی سایر وراث را در صورت عدم توافق و رضایت زایل می‌نماید. در خصوص رفع نقص بند ۲ همان گونه که مستحضرد قوانین مربوط به ارث نحوه تقسیم اموال بین وراث و سهم هر یک از وراث در ماترک متوفی از جمله احکامی است که به طور ویژه در قرآن کریم مورد اشاره شارع مقدس قرار گرفته و از این جهت جز قواعد و احکامی است که عدول از آنها به هیچ وجه جایز نیست. ماده ۸۶۲ قانون مدنی اشخاصی که به موجب نسبت ارث می‌برند را بیان کرده است و ماده ۸۴۳ قانون مدنی مقرر کرده است که وصیت به زیاده بر ثلث ترکه که نافذ نیست مگر با اجازه وراث و اگر بعضی از ورثه اجازه کند فقط نسبت به سهم او نافذ است. این ماده بیان گر این است که قواعد ارث جز قواعد امری و شرعی بوده و تخطی از آن جایز نیست و اگر متوفی بخواهد به بعضی از وراث سهم کمتری برسد می‌تواند تا یک سوم اموال را به نفع سایر وراث وصیت کند تا به کسی که مدنظر اوست سهم الارث کمتری برسد، بنابراین محرومیت کلیه افراد از ارث امکان پذیر نیست. شیوه‌نامه فنی و اجرایی و ضوابط و شرایط بهره‌برداری از مراتع کشور در تبصره ۲ ماده ۴۸ احدی از وراث را به طور کلی از ارث محروم نموده است در حالی که قانون شرع مقدس تحت هیچ شرایطی از محرومیت کامل وراث صحبت نکرده است، لذا شیوه‌نامه فوق مخالف با قوانین مرتبط با ارث (قانون مدنی) می‌باشد. حالیه نظر به موارد ممنوعه و با توجه به زایل شدن حقوق قانونی و شرعی بسیاری از وراث با در نظر گرفتن قوانین مرتبط به ارث (قانون مدنی) از هیأت عمومی دیوان عدالت اداری ابطال ماده ۴۸ و تبصره‌های شیوه‌نامه فنی و اجرایی ضوابط و شرایط بهره‌برداری از مراتع کشور را خواستارم.

تبصره ۲ ماده ۴۸ شیوه‌نامه فنی و اجرایی ضوابط و شرایط بهره‌برداری از مراتع کشور از حیث اینکه با قواعد و مواد آمده قانون مدنی در مبحث ارث که مستقیماً از شرع انور منبعث شده است، در تعارض آشکار می‌باشد، مخالف شرع بین تلقی شده است و در تعاقب با این استدلال دادخواست ابطال این مصوبه از دیوان عدالت اداری و هیأت عمومی دیوان عدالت اداری درخواست شده است. چرا که همان گونه که مستحضرد قانون مدنی و شرع انور و برخی از آیات قرآن کریم صراحتاً موانع ارث را بیان کرده است، به طوری که فقهای عظام در مبحث موانع ارث به صورت مبسوط این موانع را مورد کنکاش قرار داده‌اند و احکام آن را بیان کرده‌اند. در قانون مدنی نیز موانع ارث در مواد قانونی تصریحاً بیان شده است که عبارتند از:

۱- قتل مورث (متوفی): مطابق ماده ۸۸۰ قانون مدنی قتل از موانع ارث است، بنابراین کسی که مورث خود را عمداً بکشد از ارث او ممنوع می‌شود، اعم از اینکه قتل بالمباشره باشد یا بالتسبیب و منفرداً باشد یا به شرکت دیگری.

۲- کفر: مطابق ماده ۸۸۱ مکرر قانون مدنی کافر از مسلم ارث نمی‌برد. اگر در بین ورثه متوفی کافری شخصی مسلمان باشد، وراثی که کافر هستند ارث نمی‌برند، اگر چه از لحاظ درجه و طبقه مقدم بر وراث مسلمان باشند.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۴۰۰/۱۰/۲۱ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

هرچند هیأت عمومی دیوان عدالت اداری براساس رأی شماره ۴۴۴-۱۴۰۰/۳/۱۱، تبصره ۲ بند ۴۸ شیوهنامه فنی و اجرایی ضوابط و شرایط بهره‌برداری از مراتع کشور (موضوع مصوبه شماره ۱۴۱۰۵/۱/۹۵ - ۱۳۹۵/۶/۲ سازمان جنگلها، مراتع و آبخیزداری کشور) را خلاف قانون و خارج از اختیار تشخیص و ابطال کرده است، ولی با توجه به اینکه قائم مقام دبیر شورای نگهبان به موجب نامه شماره ۱۰۲/۲۷۲۴۵-۱۴۰۰/۶/۲ و در رابطه با جنبه شرعی مقرر مزبور اعلام کرده است که: «اطلاق تبصره ۲ مورد شکایت، نسبت به مواردی که اقلیت محروم از پروانه چرا نسبت به مشمولین تبصره و یا اشخاص ثالث، دارای مرجحات ملزمه‌ای باشند و این امر موجب عدم تدبیر صحیح امور باشد، خلاف موازین شرع شناخته شد»، بنابراین در اجرای حکم مقرر در تبصره ۲ ماده ۸۴ و ماده ۸۷ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ و با توجه به لزوم تبعیت از نظریه فقهای شورای نگهبان، اطلاق تبصره ۲ بند ۴۸ شیوهنامه فنی و اجرایی ضوابط و شرایط بهره‌برداری از مراتع کشور در حدی که در نظریه فقهای شورای نگهبان اعلام شده، خلاف شرع است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و مواد ۱۳، ۸۴، ۸۷ و ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ از تاریخ تصویب ابطال می‌شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - حکمتعلی مظفری

شماره ۴۴۵۰۰۰۰

۱۴۰۰/۱۱/۱۶

بسمه تعالی

جناب آقای اکبرپور

رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۱۴۰۰۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۲۶۷۹ مورخ ۱۴۰۰/۱۰/۱۴ با موضوع: عبارت «قرارداد موقت کارگری» در بند (۱) قسمت (ب) بخشنامه شماره ۳۷۹۵۹۹ مورخ ۱۳۹۹/۹/۲۵ سازمان اداری و استخدامی کشور و عبارت «تبدیل قرار موقت کارگران به قرارداد دائم» در تبصره (۱) همان بخشنامه از تاریخ تصویب ابطال شد.» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - یدالله اسمعیلی‌فرد

تاریخ دادنامه: ۱۴۰۰/۱۰/۱۴ شماره دادنامه: ۲۶۷۹ شماره پرونده: ۰۰۰۰۴۴۵

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکي: آقای مهدی دلبری

موضوع شکایت و خواسته: ابطال عبارت (موقت) از بند ۱ قسمت (ب) و تبصره ۱ بخشنامه شماره ۳۷۹۵۹۹ - ۱۳۹۹/۹/۲۵ سازمان اداری و استخدامی کشور

گردش کار: شاکي به موجب دادخواستی ابطال عبارت (موقت) از بند ۱ قسمت (ب) و تبصره ۱ بخشنامه شماره ۳۷۹۵۹۹ - ۱۳۹۹/۹/۲۵ سازمان اداری و استخدامی کشور را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

" به استحضار می‌رساند در پی ابلاغ قانون استفساریه بند (و) ماده ۴۴ قانون برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۹/۷/۲۷ سازمان اداری و استخدامی کشور دستورالعمل اجرایی قانون استفساریه تبدیل وضعیت ایثارگران را طی بخشنامه شماره ۳۷۹۵۹۹ - ۱۳۹۹/۹/۲۵ به کلیه دستگاه‌های اجرایی مشمول قانون برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران ابلاغ نموده است. لیکن علی‌رغم تصریح قانون استفساریه بند (و) ماده ۴۴ قانون برنامه پنجم توسعه که اشعار می‌دارد: «آیا دولت موظف است افراد مشمول ماده ۲۱ قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران و اصلاحات و الحاقات بعدی آن که در زمان حاکمیت قانون برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۲۵ به صورتی غیر از استخدام رسمی به کارگیری شده‌اند را بر اساس شرایط مندرج در بند (و) ماده ۴۴ قانون مذکور (قانون برنامه پنجم توسعه) و اصلاحات بعدی آن به صورت رسمی به استخدام درآورد.» پاسخ: بلی. سازمان برخلاف نظر قانونگذار مبنی بر لزوم استخدام رسمی مشمولین، حکم به تبدیل به قرارداد کارگری دائم برای قسمتی از مشمولین صادر و در بند ۱ قسمت (ب) دستورالعمل نیز با قید کلمه (موقت) در عبارت (قرارداد موقت کارگری) برخلاف قانون یاد شده فوق و نیز بر خلاف بند ۲ نظریه مشورتی شماره ۹۰۰۰/۲۳۰/۶۹۴۴/۲۰۰ - ۱۳۹۹/۹/۱۶ معاونت حقوقی، پیشگیری و پژوهش دیوان عدالت اداری، سازمان اقدام به محدود کردن دامنه شمول و حذف قسمتی از ایثارگران به کارگیری شده وفق ماده ۱۲۴ قانون مدیریت خدمات کشوری دارای قرارداد

۲- حسب تبصره ذیل ماده ۸۰ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری رعایت مقررات مربوط به تنظیم و تقدیم دادخواست از طرف شاکي ضرورت احراز داشته که مستنبط از شرح دادخواست تقدیمی اولاً: موضوع شکایت و خواسته مشارالیه هم کلی، مبهم و غیرمنجز بوده است. ثانیاً: شاکي در ستون دادخواست خواسته خود را «ابطال شیوهنامه» این سازمان مرقوم نموده این در حالیست که در شرح دادخواست صدور دستور مبنی بر واگذاری مرتع به ایشان همچنین الزام این سازمان به تحویل و ارائه شیوهنامه موردنظر را از هیأت مطالبه نموده که ضرورت دارد اعلام گردد الزام به واگذاری مرتع، الزام به تحویل و ارائه شیوهنامه امر اجرایی و اداری بوده و در صلاحیت هیأت عمومی نمی‌باشد. ثالثاً: الزام به واگذاری مرتع، الزام به تحویل و ارائه شیوهنامه و ابطال تمام مفاد شیوهنامه در یک دادخواست مستند به ماده ۳۳ قانون مارالذکر محل ایراد قانونی می‌باشد.

۳- آنچه که از مفاد دادخواست شاکي برداشت و به ذهن متبادر می‌شود به نظر این است که شاکي رضایتی در خصوص انتقال حقوق ناشی از پروانه چرای پدر خود به یکی از برادران خود را ندارد که این موضوع مشخصاً در بند ۴۸ شیوهنامه مورد نظر ذکر گردیده است که در فرض خلاف قانون بودن حکم موصوف با قانون می‌بایست تقاضای ابطال همین بند را از هیأت درخواست نماید. این در حالیست که مطابق متن دادخواست مشارالیه تمامی مفاد بخشنامه را که ارتباطی با موضوع و ادعای ایشان ندارد تقاضای ابطال نموده که از این جهت نیز دعوی مطروحه ایشان به لحاظ شکلی محل ایراد می‌باشد.

۴- با فرض قطعیت و منجز بودن خواسته شاکي، برابر بند (ت) ماده ۸۰ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری درخواست ابطال مصوبات از هیأت عمومی می‌بایست حاوی دلایل و جهات اعتراض از حیث مغایرت مصوبه با شرع یا قانون اساسی یا سایر قوانین یا خروج از اختیارات مرجع تصویب‌کننده باشد که این امر ضرورت تصریح دارد این در حالیست که برابر متن شکواییه و درخواست شاکي هیچ دلیلی که مبنای مغایرت شیوهنامه مورد نظر با شرع یا قوانین موضوعه کشور باشد ذکر نگردیده است که دعوی شاکي از این حیث نیز محل ایراد قانونی می‌باشد.

۵- همان گونه که در مقدمه لایحه معروض گردید به تصریح ماده واحده قانون اصلاح تبصره ۱ ماده ۴۷ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت، مرجع اعطاء مجوز، ابطال و انتقال پروانه چرای دام، سازمان جنگلها مراتع و آبخیزداری کشور می‌باشد که حسب اختیار حاصله، سازمان در تبصره ذیل بند ۴۸ شیوهنامه فنی و اجرایی، ضوابط و بهره‌برداری از مراتع کشور ناظر به ماده ۱۰ آیین‌نامه اجرایی قانون مذکور، انتقال پروانه چرا را به احدی از ورثه دامدار متوفی منوط و موکول به رضایت محضری دوسوم از سایر وراث دانسته که در خصوص مرتع مورد نزاع نیز اکثریت ورثه به احدی از برادران خود به نام ولی اله نقدلو وکالت در انتقال داده‌اند و بر این اساس اداره کل متبوعه قانوناً و حسب اختیار حاصله از قانونگذار در انتقال حق استفاده از علفچر مرتع اقدام به انتقال این حق به ایشان نموده لذا تقاضای ابطال مصوبه‌ای که منشاء و ریشه قانونی داشته موجه نمی‌باشد.

۶- مطابق رویه معمول و مستفاد از نظریه شماره ۷/۹۳/۱۵۶۳ - ۱۳۹۳/۷/۵ اداره کل حقوقی قوه قضاییه دارنده پروانه چرای دام دارای حق قانونی در تعریف دام بوده که ماهیت این حق «مالکیت» نبوده بلکه اذن در استفاده از حق علفچر مرتع می‌باشد. مع‌الوصف سازمان حسب تکالیف قانونی خود در حفظ و احیاء و بهره‌برداری و مدیریت مراتع کشور در بند ۴۸ از شیوهنامه مقرر داشته در صورت فوت دامدار چنانچه دو سوم ورثه متوفی توافق و تراضی نمایند حق استفاده از مرتع را به احدی از وراث منقل گردد بنابراین چنانچه اقلی از ورثه تمایلی به این انتقال نداشته باشد سازمان در این خصوص جهت مدیریت یکپارچه مرتع و جلوگیری از قطعه و خرد شدن مرتع با تکلیفی مواجه نمی‌باشد و خواسته شاکي در این فرض مبنا و محمل قانونی ندارد. چرا که به شرح معنونه همان طور که این سازمان اختیار در رجوع از اذن را داشته به طریق اولی اختیار اعطاء و یا انتقال این حق را به سایر وراث را نیز دارا خواهد بود. بنابراین ذکر عبارت رضایت دوسوم ورثه برای انتقال به یکی از ورثه در تبصره بند مذکور از شیوهنامه صرفاً جهت رفع خصومت و جلوگیری از هرگونه منازعه بین سایر وراث و جلوگیری از خرد و قطعه شدن مرتع و مدیریت یکپارچه و واحد تنظیم گردیده است که نه تنها مخالف شرع یا قوانین و مقررات جاریه نبوده بلکه به طور قطع با نظر فقها و شارع مقدس و قانونگذار مطابقت داشته و غیرقابل خدشه می‌باشد. علیهذا با عنایت به مراتب فوق تقاضای رد شکایت شاکي مورد استدعا می‌باشد.

در خصوص ادعای شاکيان مبنی بر مغایرت مقرر مورد اعتراض با شرع مقدس اسلام، قائم مقام دبیر شورای نگهبان به موجب نامه شماره ۱۰۲/۲۷۲۴۵-۱۴۰۰/۶/۲ اعلام کرده است که:

" موضوع تبصره ۲ ماده ۴۸ شیوهنامه فنی و اجرایی ضوابط و شرایط بهره‌برداری از مراتع کشور مصوب سازمان جنگلها، مراتع و آبخیزداری کشور، در جلسه مورخ ۱۴۰۰/۴/۱۳ فقهای معظم شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که به شرح ذیل اعلام نظر می‌گردد: اطلاق تبصره ۲ مورد شکایت نسبت به مواردی که اقلیت محروم از پروانه چرا نسبت به مشمولین تبصره و یا اشخاص ثالث دارای مرجحات ملزمه‌ای باشند و این امر موجب عدم تدبیر صحیح امور باشد، خلاف موازین شرع شناخته شد."

ب - با توجه به تصریح و تأکید قانون استفساریه صدرالذکر مبنی بر اقدام بر اساس شرایط مندرج در بند (و) ماده ۴۴ قانون برنامه پنجم توسعه و اصلاحات بعدی آن، ضروری است دستگاه‌های اجرایی، اطلاعات و مستندات ایثارگری مشمول استفساریه مذکور را که در زمان اعتبار قانون برنامه پنجم توسعه، وفق ضوابط و مقررات مربوط به صورت غیر از استخدام رسمی در دستگاه‌های اجرایی دارای حکم کارگزینی یا قرارداد مستقیم با دستگاه بوده‌اند را با رعایت شرایط زیر در سامانه کارمند ایران بارگذاری و ارسال نمایند تا اقدام لازم نسبت به صدور شماره مستخدم برای افراد واجد شرایط به عمل آید:

۱- کارمند در زمان اجرای قانون برنامه پنجم توسعه کشور (تا تاریخ ۱۳۹۵/۱۲/۲۹) در یکی از حالات غیررسمی (پیمانی، قرارداد کار معین یا مشخص، قرارداد موقت کارگری در دستگاه‌های اجرایی مشمول قانون مدیریت خدمات کشوری و عناوین مشابه در سایر دستگاه‌های اجرایی خارج از شمول قانون مدیریت خدمات کشوری و یا دستگاه‌های دارای مقررات استخدامی خاص) با دستگاه اجرایی قرارداد مستقیم داشته و یا برای وی حکم کارگزینی توسط دستگاه صادر شده باشد.

۲- در حال حاضر فرد یا دستگاه اجرایی مربوطه در یکی از حالات مندرج در بند یک، رابطه استخدامی یا به کارگیری داشته باشد.

۳- پست بلاصدی در تشکیلات تفصیلی دستگاه برای انتصاب افراد وجود داشته باشد (در صورت عدم وجود پست بلاصدی مناسب برای افراد مشمول، دستگاه اجرایی می‌تواند از طریق «سامانه ملی مدیریت ساختار دستگاه‌های اجرایی کشور» نسبت به پیشنهاد تغییر عناوین پست‌های سازمانی اقدام نماید.»

۴- ایثارگر مشمول، برای انتصاب در پست‌های مشاغل تخصصی پیشنهادی دستگاه، دارای شرایط احراز شغل مربوط از حیث مدرک تحصیلی باشد.

۵- صلاحیت فرد برای استخدام رسمی قطعی به تأیید گزینش رسیده باشد.

تبصره ۱- نیروهای ایثارگری که به صورت قرارداد موقت بر اساس قانون کار در دستگاه‌های اجرایی به کارگیری شده‌اند (اعم از اینکه کل کارکنان دستگاه متبوع و یا بخشی از آنها مشمول قانون کار باشند) در چارچوب قانون کار جمهوری اسلامی ایران به قرارداد دائم تبدیل وضع می‌یابند.

علی‌رغم ابلاغ دادخواست و ضمائم آن به سازمان اداری و استخدامی کشور تا زمان رسیدگی به پرونده در جلسه هیأت عمومی، پاسخی از آن سازمان واصل نشده است.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۴۰۰/۱۰/۱۴ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

اولاً: براساس ماده ۲۱ قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران اصلاحی مصوب ۱۳۹۵/۱۲/۱۴: «کلیه دستگاه‌های موضوع ماده ۲ این قانون مکلفند حداقل بیست و پنج درصد از نیازهای استخدامی و تأمین نیروهای مورد نیاز خود را اعم از رسمی، پیمانی، قراردادی، شرکتی که وفق ضوابط و مجوزهای مربوط و جایگزینی نیروهای خروجی خود اخذ می‌نمایند، به خانواده‌های شاهد، جانبازان و آزادگان، همسر و فرزندان شهدا و جانبازان بیست و پنج درصد و بالاتر، فرزندان و همسران آزادگان یک سال و بالای یک سال اسارت، اسرا و خواهر و برادر شاهد اختصاص دهند و پنج درصد سهمیه استخدامی را نیز به رزمندگان با سابقه حداقل شش ماه حضور داوطلبانه در جبهه‌ها و همسر و فرزندان آنها و فرزندان جانبازان زیر بیست و پنج درصد و آزادگان کمتر از یک سال اسارت اختصاص دهند.» ثانیاً: براساس بند (و) ماده ۴۴ قانون برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۰/۱۱/۱۸: «کلیه دستگاه‌ها مکلفند در چهارچوب سهمیه استخدامی و جایگزینی نیروهای خروجی خود حداقل بیست و پنج درصد نیازهای استخدامی خود را از میان جانبازان و آزادگان فاقد شغل و فرزندان و همسران شهدا و جانبازان بیست و پنج درصد و بالاتر و فرزندان و همسران آزادگان یک سال و بالای یک سال اسارت، معرفی شده از سوی بنیاد شهید و امور ایثارگران با رعایت سقف مقرر در این بند تأمین و به استخدام آنان از محل مجوزهای مربوط و پست‌های بدون متصدی اقدام نمایند و پنج درصد سهمیه استخدامی را نیز به رزمندگان با سابقه حداقل شش ماه حضور داوطلبانه در جبهه‌ها و همسر و فرزندان آنان و فرزندان جانبازان زیر بیست و پنج درصد و آزادگان کمتر از یک سال اسارت و خواهران و برادران شهدا اختصاص دهند. در مواردی که نیاز به تخصص دارد، رعایت شرایط علمی الزامی است.» ثالثاً: بر مبنای قانون تفسیر بند (و) ماده ۴۴ قانون برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۹/۷/۲۷، دولت موظف است افراد مشمول ماده ۲۱ قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران مصوب ۱۳۸۶/۴/۳ و اصلاحات و الحاقات بعدی آن را که در زمان حاکمیت قانون برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۲۵ به‌صورتی غیر از استخدام رسمی به کارگیری شده‌اند، براساس شرایط مندرج در بند «و» ماده ۴۴ قانون مذکور (قانون برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران) و اصلاحات بعدی آن به صورت رسمی به

مستقیم غیرموقت (دائم) کارگری با دستگاه‌های اجرایی مربوط برخلاف قوانین و خارج از حدود اختیارات سازمان نموده است.

در این خصوص به عرض می‌رساند به استناد نص صریح قسمت اخیر قانون استفساریه بند (و) ماده ۴۴ برنامه پنجم توسعه کشور که اشعار می‌دارد «... به صورت رسمی به استخدام درآورد» قانونگذار دولت را مکلف به استخدام رسمی کلیه مشمولین قانون استفساریه یاد شده (به کارگیری شده غیر از استخدام رسمی) نموده است که با توجه به تعریف استخدام وفق ماده ۴۵ قانون مدیریت خدمات کشوری، استخدام صرفاً شامل به کارگیری نیرو به صورت پیمانی و رسمی می‌باشد که رأی وحدت رویه شماره ۹۲-۱۳۹۸/۱/۲۷ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شرح «... با توجه به ماده ۴۵ قانون مدیریت خدمات کشوری که وضعیت استخدامی را صرفاً شامل نیروهای پیمانی و رسمی می‌داند...» موید این موضوع می‌باشد و نیز بر اساس رأی وحدت رویه ۶۶۹-۱۳۹۸/۴/۱۱ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به کارگیری نیرو به شرح زیر بیان گردیده است. «ب - اولاً: بر اساس ضوابط و مقررات استخدامی (از جمله مواد ۳۲ و تبصره‌های آن ۴۷، ۵۲، ۹۵ و ۱۲۴ قانون مدیریت خدمات کشوری) به کارگیری نیرو مفهومی عام داشته و شامل کلیه مواردی می‌شود که دستگاه فردی را مستقیماً جهت انجام وظایف و مأموریت‌های خود به خدمت گرفته باشد. لیکن استخدام به موجب مواد ۴۵ و ۴۶ قانون مدیریت خدمات کشوری صرفاً شامل به کارگیری نیرو به صورت پیمانی و رسمی اعم از آزمایشی و قطعی می‌باشد و لذا به خدمت گرفتن افراد به صورت قراردادی هرچند به کارگیری محسوب می‌شود لیکن برای فرد وضعیت استخدامی ایجاد نمی‌کند...» خاطر نشان می‌سازد دایره ایثارگران مشمول قانون استفساریه نیز به وضوح در قسمت ابتدایی بند ۲ نظریه شماره ۹۰۰۰/۲۳۰/۶۹۴۴/۲۰۰ - ۱۳۹۹/۹/۱۶ معاونت حقوقی، پیشگیری و پژوهش دیوان عدالت اداری (ابلاغی سازمان اداری و استخدامی کشور به شماره ۳۷۸۶۷۲-۱۳۹۹/۹/۱۹ به کلیه دستگاه‌های اجرایی) به شرح ذیل بیان گردیده است.

«۲- ایثارگران مشمول استفساریه کسانی هستند که به غیر از وضعیت استخدام رسمی توسط دستگاه‌های اجرایی به کارگیری شده‌اند که با توجه به قانون مدیریت خدمات کشوری صرفاً شامل مستخدمین پیمانی موضوع بند (ب) ماده ۴۵ قانون مدیریت خدمات کشوری، کارمندان قراردادی موضوع تبصره ماده ۳۲ و نیروهای کارگری موضوع ماده ۱۲۴ قانون مورد اشاره و کارکنان دارای وضعیت مشابه در سایر دستگاه‌های اجرایی خارج از شمول قانون مدیریت خدمات کشوری می‌گردد...» که در خصوص نیروهای کارگری به عرض می‌رساند در ماده ۷ قانون کار و تبصره ۱ و ۲ آن تعریف قرارداد کار و تقسیم آن از نظر مدت به دو شکل موقت و غیرموقت (دائم - حسب تبصره ۲) بیان گردیده است و بر اساس موارد فوق الذکر به ویژه قانون مدیریت خدمات کشوری و قانون کار، قرارداد دائم (غیر موقت) کارگری نیز نوعی به کارگیری نیرو تلقی شده لیکن از انواع استخدام به ویژه استخدام رسمی محسوب نمی‌گردد. علیهذا علیرغم موارد اشاره شده فوق متأسفانه سازمان اداری و استخدامی کشور در تبصره ۱ دستورالعمل ابلاغی برخلاف حکم قسمت اخیر قانون استفساریه مورد بحث دال بر تبدیل وضع به استخدام رسمی مشمولین، حکم به تبدیل وضع به قرارداد دائم صادر نموده است و در بند ۱ قسمت (ب) دستورالعمل با بیان کلمه «موقت» در عبارت «قرارداد موقت کارگری» سازمان اداری و استخدامی کشور در عمل اقدام به تحدید دامنه قانونی شمول ایثارگران مربوط و به عبارتی حذف ایثارگران دارای قرارداد غیرموقت (دائم) کارگری موضوع تبصره ۲ ماده ۷ قانون کار که خود از نیروهای به کارگیری شده غیر رسمی (موضوع ماده ۱۲۴ قانون مدیریت خدمات کشوری) محسوب می‌گردند نموده است. لذا به استناد ماده ۱۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری از آن هیأت عاجزانه درخواست بررسی موضوع و ابطال و حذف عبارت «موقت» از بند ۱ قسمت (ب) و تبصره ۱ بخشنامه ۳۷۹۵۹۹ سازمان اداری و استخدامی کشور در راستای رفع تبعیض، حذف رویه و محدودیت اعمالی غیرقانونی و خارج از حدود اختیارات سازمان اداری و استخدامی کشور را داشته و ضمناً به منظور جلوگیری از تضییع حقوق اشخاص مشمول درخواست تصری ابطال به زمان تصویب مصوبه را به استناد ماده ۱۳ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری به حضور تقدیم می‌دارد.

متن مقرر مورد شکایت به شرح زیر است:

بخشنامه شماره ۳۷۹۵۱۹ - ۱۳۹۹/۹/۲۵ سازمان اداری و استخدامی کشور:

«بخشنامه به کلیه دستگاه‌های اجرایی مشمول قانون برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران

پیرو ابلاغ «قانون تفسیر بند (و) ماده ۴۴ قانون برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران» از سوی ریاست جمهوری (موضوع ابلاغیه شماره ۹۱۶۹۸ - ۱۳۹۹/۸/۱۵) و با توجه به سوالات و استعلاماتی که از سوی دستگاه‌های اجرایی در خصوص نحوه صدور احکام رسمی مشمولین قانون مذکور به عمل می‌آید، ضمن ارسال تصویب بند (و) ماده ۴۴ قانون مذکور و اصلاحات بعدی آن به منظور ایجاد هماهنگی و وحدت رویه در بین دستگاه‌های اجرایی در خصوص موضوع مذکور موارد ذیل برای اجرا ابلاغ می‌گردد:

.....

حقوق کارکنان می‌باشد کاملاً غیرقانونی به نظر می‌رسد لذا تقاضا دارد نسبت به ابطال این بخشنامه دستور به اقدام فرماید.

مزید استحضار با اقدامات فوق عملاً هر ساله علیرغم افزایشهای عمومی و سالیانه کارکنان دولت دریافتی من و امثال من کاهش پیدا می‌کند و از سویی امکان بازنشستگی وجود نداشته و اخیراً در اقدامی نسنجیده‌تر در مصوبه‌ای سقف سنی انتصاب مدیران ارشد را به ۵۰ سال کاهش داده‌اند تا جوانان بی‌تجربه هرچه زودتر بر مناصب بالای سازمانی تکیه زنند و از خود نمی‌پرسند که افراد بالای ۵۰ سال تحصیل کرده همچون من در ده سال باقیمانده از خدمات کاری پس از رسیدن به ۵۰ سالگی خود چه کنند. مزید استحضار دادخواستی از سوی اینجانب به شماره کلاسه ۹۸۰۲۶۳۷ در سال ۱۳۹۸ در اعتراض به صدور بخشنامه‌ای مشابه برای سال گذشته که از سوی اداره کل تدوین و هماهنگی مقررات اداری و استخدامی (از زیرمجموعه‌های معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی) وزارت نفت تقدیم شد که منجر به صدور دادنامه ۱۳۹۹/۱۰/۱۶ - ۹۹۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۱۴۴۳ گردید و اکنون تقاضای ابطال بندهای (ب) و (ج) مشابه بند ۵ بخشنامه سال قبل اداره کل تدوین و هماهنگی مقررات اداری و استخدامی وزارت نفت از تاریخ اجرا را دارم.

شاکی در پاسخ به اخطار رفع نقص نیز به موجب لایحه تکمیلی که با شماره ۱۴۰۰ - ۴۸۸ - ۴۰۳ مورخ ۱۴۰۰/۲/۱۶ در دبیرخانه هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به ثبت رسیده اعلام کرده است که:

" بر اساس بند (الف) تبصره ۱۲ قانون بودجه سال ۱۳۹۹ کشور «در سال ۱۳۹۹ حداقل حقوق و مزایای مستمری شاغلان، حداقل حقوق بازنشستگان و وظیفه بگیران مشمول قانون مدیریت خدمات کشوری و حداقل حقوق کارمندان مشمول قانون نظام هماهنگی پرداخت کارکنان دولت مصوب ۱۳۷۰/۶/۱۳ با اصلاحات و الحاقات بعدی و سایر حقوق بگیران دستگاه‌های اجرایی و صندوق‌های بازنشستگی وابسته به دستگاه‌های اجرایی و مستمربها و سایر حمایت‌های متناسب با آنها معادل افزایش ضریب ریالی به میزان پانزده درصد افزایش می‌باشد». در این قانون هیچ محدودیتی برای میزان ریالی این افزایش تعیین نگردیده اما وزارت نفت در بخشنامه خود به شماره م ت س ۱ - ۴۰۷۲۷ - ۱۳۹۹/۲/۱۶ سقفی برای این افزایش در نظر گرفته و برای مازاد بر آن آیمتی در فیش حقوقی گذاشته به نام «کسر مازاد بر سقف مستمر» که مغایر قانون است ضمن اینکه کاملاً غیرعقلانی است زیرا میزان حقوق افراد شاغل بر اساس میزان تحصیلات و سوابق و بر اساس قانون ومقررات تعیین می‌گردد و نباید به جای افزایش طبق قانون بودجه در عمل کاهش یابد. خاطر نشان می‌سازد این اقدام غیرقانونی وزارت نفت در اواخر اسفند ماه گذشته با بخشنامه‌های دیگر مثلاً اصلاح شده و سقف برداشته شده اما تاریخ اجرای آن به جای اول فروردین ۱۳۹۹ اول اسفند ۱۳۹۹ یعنی عملاً یازده ماه بعد تعیین شده و حقوق افراد در این ۱۱ ماه همچنان تضییع گشته است. لذا تقاضای ابطال مصوبه مذکور را دارم.

متن بندهای مورد شکایت به شرح زیر است:

" وزیر محترم نفت

با سلام، احتراماً استحضار دارند، افزایش حقوق کارمندان صنعت نفت (رسمی/پیمانی) در هر سال از جمله سال ۱۳۹۹ متأثر از مصوبه هیأت وزیران (تصویب‌نامه شماره ۱۳۹۹/۱۰/۲۰ - ۵۷۵۹۳ هـ) پس از هماهنگی و کسب موافقت جنابعالی صورت می‌گیرد. به استناد مصوبه مزبور اضافه حقوق عمومی کارمندان حسب نظام حقوق و مزایای مترتب و سقف‌های حقوق و نیز سقف پاداش سنوات خدمت به شرح ذیل می‌باشد. خواهشمند است در صورت موافقت مراتب امر به ابلاغ فرمایید.

بند ب - سقف حقوق و مزایای دریافتی ماهانه در سال ۱۳۹۹ بر اساس بخشنامه شماره ۱۳۹۹/۵/۱۱ - ۴۷۴۴۴ معاون رئیس‌جمهور و رئیس وقت سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور:

شمال (غیر گرمسیر) ۲۲۸/۲۳/۰۰۰ ریال

جنوب (گرمسیر) ۴۲۶/۶۹۹/۰۰۰ ریال

بند ج) سقف حقوق و فوق‌العاده‌های مستمر سال ۱۳۹۹

شمال (غیر گرمسیر) ۱۲۵/۱۲۱/۵۰۰ ریال

جنوب (گرمسیر) ۱۲۶/۳۶۲/۶۰۰ ریال

حداقل حقوق اصلی مشمول رعایت سقف مبلغ ۸۳/۶۵۸/۰۰۰ ریال خواهد بود. در پاسخ به شکایت مذکور، معاون امور حقوقی و مجلس وزارت نفت به موجب لایحه شماره ۱۷۰۴۸۶ - ۱۴۰۰/۵/۵ توضیح داده است که:

" با توجه به مسبق به سابقه بودن موضوع مذکور و طرح شکایت پیرامون ابطال سقف حقوق در سال ۱۳۹۸ توسط شاکی بر اساس مفاد رأی پرونده کلاسه ۹۸۰۲۶۳۷ - ۱۳۹۹/۱۱/۱۱ آن هیأت مفاد بند ۵ مصوبه مورد شکایت (اطلاعیه شماره ۸۱۱۳۶ - ۱۳۹۸/۲/۲۸) در مورد کارکنان صنعت نفت با موضوع سقف حقوق و فوق‌العاده‌های مستمر در سال ۱۳۹۸ در شمال و جنوب، به دلیل تفاوت با مصوبه هیأت وزیران و خروج از حیطه اختیارات مغایر قانون شناخته و ابطال شده است. پیرو طرح گله‌مندی همکاران در انطباق با مبالغ مورد تأکید در مصوبات مربوط متعاقب ابلاغ نامه شماره ت ه م/۸۱۱۳۶ - ۱۳۹۸/۲/۲۸ و مفاد بند ۵ آن مورد اشاره در شرح شکایت مبنی بر اعتراض به سقف حقوق و مزایای

استخدام درآورد. رابعاً: براساس ماده ۷ قانون کار مصوب سال ۱۳۶۹ نیز: «قرارداد کار عبارت است از قرارداد کتبی یا شفاهی که به موجب آن کارگر در قبال دریافت حق‌السعی کاری را برای مدت موقت یا مدت غیرموقت برای کارفرما انجام می‌دهد» و بر مبنای ماده فوق، قرارداد کار اعم است از قرارداد موقت و قرارداد دائم. خامساً: براساس ماده ۴۵ قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب سال ۱۳۸۶ حالات استخدامی به طور کلی عبارتند از رسمی و پیمانی و قانونگذار با عنایت و اطلاع از این امر، امکان تبدیل وضعیت را در بند «و» ماده ۴۴ قانون برنامه پنجساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۰/۱۱/۱۸ به تمامی حالات به‌کارگیری افراد در دستگاه‌های دولتی اعم از استخدام پیمانی، شرکتی، کار معین و قرارداد کار اعم از موقت و دائم تعمیم و تسری داده و این حکم منحصر به حالات استخدامی نیست. بنا به مراتب فوق و با عنایت به اینکه در بند ۱ قسمت (ب) بخشنامه شماره ۳۷۹۵۹۹ - ۱۳۹۹/۹/۲۵ سازمان اداری و استخدامی کشور، با استفاده از واژه (قرارداد موقت کارگری) حکم مندرج در بند (و) ماده ۴۴ قانون برنامه پنجساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۰/۱۱/۱۸ و قانون تفسیر بند مذکور مصوب ۱۳۹۹/۷/۲۷ تزییق و محدود گردیده و این امر موجب تضییع حقوق افراد دارای قرارداد کار دائم با دستگاه‌های اجرایی در برخورداری از امکان تبدیل وضعیت به استخدام رسمی شده است و در تبصره ۱ بخشنامه مذکور نیز برخلاف حکم مقنن به تبدیل قرارداد موقت کارگران به قرارداد دائم به جای استخدام رسمی این افراد تصریح شده است، بنابراین بند ۱ قسمت (ب) و تبصره ۱ بخشنامه معترض‌عنه خارج از حدود اختیار مرجع صادرکننده و خلاف قانون است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و مواد ۱۳ و ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ از تاریخ تصویب ابطال می‌شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - حکمتعلی مظفری

شماره ۰۰۰۰۴۸۸

۱۴۰۰/۱۱/۱۶

بسمه تعالی

جناب آقای اکبرپور

رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۱۴۰۰۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۲۶۸۱ مورخ ۱۴۰۰/۱۰/۱۴ با موضوع: «بندهای (ب) و (ج) بخشنامه شماره م ت س ۱ - ۴۰۷۲۷/۱ - ۱۳۹۹/۲/۱۶ معاون توسعه مدیریت و سرمایه انسانی وزیر نفت که متضمن تعیین سقف برای حقوق و مزایای پرداختی به کارمندان صنعت نفت است از تاریخ تصویب ابطال شد.» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - یدالله اسمعیلی فرد

تاریخ دادنامه: ۱۴۰۰/۱۰/۱۴ شماره دادنامه: ۲۶۸۱ شماره پرونده: ۰۰۰۰۴۸۸

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: آقای عزت اله مصلحی مصلح آبادی

موضوع شکایت و خواسته: ابطال بندهای (ب) و (ج) بخشنامه شماره م ت س ۱ - ۴۰۷۲۷/۱ - ۱۳۹۹/۲/۱۶ معاون توسعه مدیریت و سرمایه انسانی وزارت نفت

گردش کار: شاکی به موجب دادخواستی ابطال بندهای (ب) و (ج) بخشنامه شماره م ت س ۱ - ۴۰۷۲۷/۱ - ۱۳۹۹/۲/۱۶ معاون توسعه مدیریت و سرمایه انسانی وزارت نفت را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

" احتراماً معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی وزارت نفت پس از کسب موافقت وزیر نفت اقدام به صدور بخشنامه شماره م ت س ۱ - ۴۰۷۲۷ - ۱۳۹۹/۲/۱۶ نموده که به موجب بند (ج) آن برای حقوق و فوق‌العاده‌های مستمر کارکنان وزارت نفت سقف ریالی تعیین شده که این سقف بسیار کمتر از پایه فعلی حقوق بسیاری از کارکنان با حدود ۲۰ سال سابقه کاری می‌باشد. از آنجا که حقوق و فوق‌العاده‌های مستمر کارکنان مبتنی بر تحصیلات و سابقه کاری از ابتدای استخدام تعیین شده و بر اساس ضوابط و مقررات مربوطه در صورت عدم بروز تخلفات اداری همیشه افزایش می‌یابد هرگونه تعیین سقف آن هم برای کارکنان فعلی که با افزایش تجربیات و سنوات خدمت سالها پیش این سقف را گذرانده‌اند منجر به کسری قابل ملاحظه دریافت‌های فعلی آنان و همچنین عدم امکان هرگونه افزایش آتی حقوق چه بر پایه افزایش تجربه و خدمات کاری و چه بر اساس ارتقای رتبه و سمت سازمانی و چه حتی افزایش معمول عمومی سالیانه دولتی که هر ساله از سوی دولت اعلام می‌گردد، می‌شود و این اقدام نه تنها عقلانی نبوده بلکه مطابق با هیچ یک از قوانین ومقررات مربوطه نبوده و منجر به یأس و ناامیدی کارکنان با تجربه و نیز نگرانی سایر کارکنان که در آستانه ورود به این سقف هستند می‌شود. مزید استحضار گنجاندن چنان بندی در این بخشنامه ضمن آن که عملاً موجب هیچ گونه افزایش حقوقی در سال جاری نمی‌شود بلکه بعضاً منجر به کاهش دریافتی بسیاری از کارکنان نیز می‌شود. از آنجا که تعیین این سقف بدعت گذاری خاص این وزارتخانه بوده و بدون ملاحظه سایر مقررات جاری کشور از جمله «افزایش سالانه حقوق کارکنان دستگاه‌های اجرایی متناسب با نرخ تورم» و نیز تصریح مصوبات مجلس در افزایش حداقل میزان مشخص

در رابطه با قیمت علاوه بر مساحت است ابطال شد.» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - پدالنده اسمعیلی‌فرد

تاریخ دادنامه: ۱۴۰۰/۱۰/۱۴ شماره دادنامه: ۲۶۸۲ شماره پرونده: ۹۹۰۲۲۷۰

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکلی: آقای زعفر کبیری کرنق با وکالت آقای مجید اسلام دوست

موضوع شکایت و خواسته: ابطال ۱- تبصره ۳ ماده ۱۶ تعرفه عوارض و بهای خدمات شورای اسلامی شهر رشت سال ۱۳۹۸

۲- تبصره ۳ ماده ۱۶ تعرفه عوارض و بهای خدمات شورای اسلامی شهر رشت سال ۱۳۹۹ و اصلاحی سال ۱۳۹۹

۳- قسمتی از ماده ۱۹ تعرفه عوارض و بهای خدمات شورای اسلامی شهر رشت سال‌های ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹

گردش کار: آقای مجید اسلام دوست به وکالت از آقای زعفر کبیری به موجب دادخواست و لایحه تکمیلی ابطال تبصره ۳ ماده ۱۶ تعرفه عوارض و بهای خدمات شورای اسلامی شهر رشت سال ۱۳۹۸، تبصره ۳ ماده ۱۶ تعرفه عوارض و بهای خدمات شورای اسلامی شهر رشت سال ۱۳۹۹ و اصلاحی سال ۱۳۹۹ و قسمتی از ماده ۱۹ تعرفه عوارض و بهای خدمات شورای اسلامی شهر رشت سال‌های ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته به طور خلاصه اعلام کرده است که:

« شهرداری شهر رشت با استناد به ماده ۱۶ تعرفه عوارض و بهای خدمات سال‌های ۱۳۹۸، ۱۳۹۹ و همچنین ماده ۱۹ تعرفه عوارض و بهای خدمات سال‌های ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ اقدام به وضع مبالغی تحت عنوان عوارض پیش آمدگی و مشرف بر معابر عمومی و عوارض مزاد ارزش ایجاد شده و ناشی از مزاد بر تراکم پایه اعیانات از موکل بنده نموده که مواد یاد شده مغایر با ماده ۱۰۰ قانون شهرداری و همچنین دادنامه‌های شماره ۱۰۳۰ - ۱۳۹۶/۲/۱۲، ۳۲۷ - ۱۳۹۷/۲/۲۵، ۳۱ - ۱۳۹۷/۱/۲۱ و ۱۰۱ - ۱۳۹۸/۲/۱۷ می‌باشد. لذا مبالغ محاسبه شده غیرقانونی بوده و تقاضای ابطال مواد مذکور را دارم.»

متن تعرفه‌های مورد شکایت به شرح زیر است:

الف - تبصره ۳ ماده ۱۶ دفترچه عوارض و بهای خدمات شورای اسلامی شهر رشت سال ۱۳۹۸:

« تبصره ۳ ماده (۱۶) دفترچه عوارض و بهای خدمات شهرداری رشت سال ۹۸:

تبصره ۳- عوارض موضوع این ماده برای طبقات مزاد احدائی و هر نوع پیش آمدگی مشرف بر معابر عمومی با احتساب ۲۰٪ افزایش محاسبه و وصول می‌گردد.

ب - تبصره (۳) ماده (۱۶) دفترچه عوارض و بهای خدمات شورای اسلامی شهر رشت سال ۹۹:

تبصره ۳- عوارض موضوع این ماده در کلیه تراکم‌هایی که توسط شهرداری در اجرای مصوبات کلی کمیسیون‌های ماده ۵، من جمله ضوابط تراکم اعطایی ناشی از اعمال ضابطه هم جواری، ضابطه بیش از دو برابری مساحت قطعه نسبت به حد نصاب مساحت کد پهنه تخصیصی و یا اعطاء فعالیت بدون تغییر کد پهنه با مأخذ دو برابر و تراکم حاصله ناشی از طبقات مزاد احدائی، تبدیل پیلوت به سایر عملکردها و هر نوع پیش آمدگی مشرف بر معابر عمومی و هرگونه تراکم مزاد بر مدلول پروانه ساختمانی (یا مزاد بر تراکم مجاز) در ارتفاع و سطح، به استثناء تراکم‌هایی که مشمول ماده ۱۰ این دفترچه می‌شوند و همچنین تراکم حاصل از احداث بنای بدون پروانه ساختمانی، با مأخذ ۳ برابر محاسبه می‌گردد.»

ج - اصلاحی تبصره ۳ ماده ۱۶ دفترچه عوارض و بهای خدمات شورای اسلامی شهر رشت سال ۱۳۹۹:

« تبصره ۳- عوارض موضوع این ماده در کلیه تراکم‌هایی که توسط شهرداری در اجرای مصوبات کلی کمیسیون‌های ماده ۵، من جمله ضوابط تراکم اعطایی ناشی از اعمال ضابطه هم جواری، ضابطه بیش از دو برابری مساحت قطعه نسبت به حد نصاب مساحت کد پهنه تخصیصی و یا اعطاء فعالیت بدون تغییر کد پهنه با مأخذ دو برابر و تراکم حاصله ناشی از طبقات مزاد احدائی، تبدیل پیلوت به سایر عملکردها و هر نوع پیش آمدگی مشرف بر معابر عمومی و هرگونه تراکم مزاد بر مدلول پروانه ساختمانی (یا مزاد بر تراکم مجاز) در ارتفاع و سطح، به استثناء تراکم‌هایی که مشمول ماده ۱۰ این دفترچه می‌شوند و همچنین تراکم حاصل از احداث بنای بدون پروانه ساختمانی، با مأخذ ۳ برابر محاسبه می‌گردد.»

× ضریب ۵۰٪ در ردیف ۳ جدول شماره ۳ تبصره ۷ ماده ۱۶ تعرفه به ضریب ۶۰٪ اصلاح می‌گردد. (صفحه ۴۱ تعرفه سال ۹۸)

× ضریب ۴۰٪ در ردیف ۴ جدول شماره ۳ تبصره ۷ ماده ۱۶ تعرفه به ضریب ۵۰٪ اصلاح می‌گردد. (صفحه ۴۱ تعرفه سال ۹۸)

× ضریب ۶۰٪ در ردیف ۵ جدول شماره ۳ تبصره ۷ ماده ۱۶ تعرفه به ضریب ۸۰٪ اصلاح می‌گردد. (صفحه ۴۱ تعرفه سال ۹۸)

مستمر تعیین شده، موضوع سقف حقوق و مزایای مستمر سال ۱۳۹۸ بر اساس مفاد نامه خیلی محرمانه شماره ت م ه ۳۲۷۹۲۶/م - ۱۳۹۸/۲۲ - به میزان ۱۰۹/۴۱۰/۰۰۰ ریال و ۱۱۸/۵۷۶/۰۰۰ ریال به ترتیب برای مناطق غیرگرمسیر (شمال) و گرمسیر (جنوب) تعدیل گردیده است که انطباق با تکلیف مصوبه هیأت وزیران دارد.

در خصوص تقاضای مطرح شده ابطال سقف حقوق سال ۱۳۹۹ طی مفاد اطلاعیه شماره ۴۸۷۱۶۸ - ۱۳۹۹/۱۲/۲۴ - سقف خالص پرداختی به کارکنان صنعت نفت مندرج در بند (ب) نامه شماره ۴۰۷۲۷ - ۱۳۹۹/۲/۱۶ از ابتدای اسفند سال ۱۳۹۹ ابطال گردید. مضافاً همان گونه که مستحضرنند مفاد بند (ج) نامه شماره ۴۰۷۲۷ - ۱۳۹۹/۲/۱۶ معاون وزیر در توسعه مدیریت و سرمایه انسانی ملهم از بند ۵ تصویب‌نامه شماره ۳۷۱۸/ت/۵۷۵۹۳ هـ - ۱۳۹۹/۱/۲۰ هیأت وزیران و به صورت ۷ برابر حداقل و مزایای مستمر شاغلین و در تطابق با قوانین و مقررات بالادستی ابلاغ شده است. لذا بنا به مراتب پیش گفته تقاضای رسیدگی و صدور تصمیم شایسته مبنی بر رد شکایت شاکلی مورد استدعاست.»

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۴۰۰/۱۰/۱۴ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

اولاً: به موجب ماده ۷۶ قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب سال ۱۳۸۶: «حداقل و حداکثر حقوق و مزایای مستمر شاغلین، حقوق بازنشستگان و وظیفه‌بگیران مشمول این قانون و سایر حقوق‌بگیران دستگاههای اجرایی و صندوقهای بازنشستگی وابسته به دستگاههای اجرایی هر سال با پیشنهاد سازمان به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.» ثانیاً: براساس بندهای ۵ و ۶ تصویب‌نامه شماره ۳۷۱۸/ت/۵۷۵۹۳ هـ - ۱۳۹۹/۱/۲۰ هیأت وزیران: «حداقل حقوق و مزایای مستمر شاغلین موضوع ماده ۷۶ قانون مدیریت خدمات کشوری برای کارمندان دستگاههای اجرایی مشمول این قانون و سایر مشمولین ماده مذکور به استثنای مشمولین قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت در سال ۱۳۹۹ به میزان هفده میلیون و نهصد و هفتاد و چهار هزار و پانصد (۱۷/۹۷۴/۵۰۰) ریال و حداکثر حقوق و مزایای مستمر این قبیل کارکنان به میزان هفت برابر حداقل حقوق مذکور در این بند تعیین می‌شود» و «حداقل حقوق کارمندان مشمول قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت در سال ۱۳۹۹ به میزان نه میلیون و هفتصد و هفده هزار و پانصد (۹/۷۱۷/۵۰۰) ریال تعیین می‌شود که با احتساب فوق‌العاده‌های موضوع ماده ۶ قانون یادشده، این میزان نباید کمتر از هفده میلیون و نهصد و هفتاد و چهار هزار و پانصد (۱۷/۹۷۴/۵۰۰) ریال شود و مابه‌التفاوت آن تا هفده میلیون و نهصد و هفتاد و چهار هزار و پانصد (۱۷/۹۷۴/۵۰۰) ریال به سقف محاسبه شده، اضافه خواهد شد.» بنا به مراتب فوق و با عنایت به اینکه وزارت نفت و شرکتهای دولتی تحت پوشش آن در شمول سایر حقوق‌بگیران دستگاههای اجرایی موضوع ماده ۷۶ قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب سال ۱۳۸۶ هستند و می‌بایست از مفاد تصویب‌نامه شماره ۳۷۱۸/ت/۵۷۵۹۳ هـ - ۱۳۹۹/۱/۲۰ هیأت وزیران در خصوص تعیین حداقل و حداکثر حقوق و مزایای مستمر شاغلین، حقوق بازنشستگان و وظیفه‌بگیران تبعیت نمایند، بنابراین بندهای (ب) و (ج) بخشنامه شماره م ت م س ۴۰۷۲۷/۱ - ۱۳۹۹/۲/۱۶ معاون توسعه مدیریت و سرمایه انسانی وزیر نفت که متضمن تعیین سقف حقوق و مزایای پرداختی به کارمندان صنعت نفت است، با حکم مقرر در ماده ۷۶ قانون مدیریت خدمات کشوری و بندهای ۵ و ۶ تصویب‌نامه صدرالاشاره مغایرت دارد و خارج از حدود اختیار است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و مواد ۱۳ و ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ از تاریخ تصویب ابطال می‌شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - حکمتعلی مظفری

شماره ۹۹۰۲۲۷۰

۱۴۰۰/۱۱/۱۶

بسمه تعالی

جناب آقای اکبرپور

رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۱۴۰۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۲۶۸۲ مورخ ۱۴۰۰/۱۰/۱۴ با موضوع: «تبصره ۳ ماده ۱۶ تعرفه عوارض و بهای خدمات سال ۱۳۹۸، تبصره ۳ ماده ۱۶ تعرفه عوارض و بهای خدمات سال ۱۳۹۹ و اصلاحی سال ۱۳۹۹ که متضمن اخذ عوارض به میزان چندبرابر برای طبقات مزاد احدائی و هر نوع پیش‌آمدگی مشرف بر معابر عمومی و همچنین کلیه تراکم‌های تخصیص‌یافته توسط شهرداری در اجرای مصوبات کلی کمیسیون‌های ماه ۵ است، و نیز قسمتی از ماده ۱۹ تعرفه عوارض و بهای خدمات سال‌های ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ آن شهر که

ثالثاً: به تبع تخلفات ساختمانی صورت گرفته و با توجه به ضوابط و مقررات حاکمه عوارض قانونی به بنای ساختمانی خلاف ساز تعلق گرفته است که این عوارض پس از طی تشریفات خاص مقرر در قانون توسط مراجع ذیصلاح از جمله شورای اسلامی شهر در تعرفه پیشنهادی سالهای ماضی تصویب شده است و تا کنون نیز به اعتبار آن خدشه‌ای وارد نشده است ضمن اینکه تعرفه عوارض این شهرداری هر ساله بعد از تصویب آن توسط شورای اسلامی شهر تا قبل از ۱۵ بهمن هر سال تصویب و اعلان عمومی می‌شود به همین منظور و در تحقق این امر مهم در تعرفه مصوب این شهرداری کلیه عوارض مورد مطالبه به صورت کاملاً قانونی پیش‌بینی و تصویب شده است.

رابعاً: این ادعا که مقنن در حوزه تخلفات ساختمانی صرفاً یک واکنش که همانا پرداخت جریمه نقدی است را مقرر نموده و مالکین را از پرداخت عوارض معاف می‌سازد مبتنی بر استنباطی نادرست بوده که با هیچ یک از نصوص قانونی قابل انطباق نمی‌باشد. چرا که اساساً مبنا و منشاء و ماهیت عوارض با جرایم ساختمانی دارای تفاوت بنیادی بوده بدین مضمون که در کمیسیون‌های ماده صد در فرض عدم اعمال تبصره ۱ و اعمال تخفیف در مجازات و جریمه نقدی نمودن متخلف ساختمانی صرفاً از باب عکس العمل قانونی در حوزه تخلفات است و این در حالیست که مبنا و منشاء عوارض متعلقه به املاک که مستنداً به بند ۱۶ ماده ۷۶ شوراها قانون تجمیع عوارض و غیره وضع و عملیاتی می‌شود ارتباطی به جرایم نداشته و دو مقوله جداگانه است. لذا این تصور که کمیسیون ماده صد در مقام رسیدگی فقط به تحمیل جریمه پسندیده مرتکب تخلف ساختمانی از پرداخت عوارض معاف می‌باشد، اولاً: متکی به ادله قانونی نبوده. ثانیاً: علت عدم پرداخت کمیسیون ماده صد به مقوله عوارض نه به معنای ضمنی معافیت از آن است بلکه بدین جهت است که کمیسیون ماده صد یک کمیسیون تخصصی و با حدود و وظایف اختصاصی بوده که صرفاً اختیار رسیدگی به جرایم موضوع تخلفات ساختمانی را دارد نه عوارضی که در صلاحیت اختصاصی کمیسیون ماده ۷۷ شهرداری است، بنابراین از آنجا که با عنایت به مستندات موجود تخلفات ساختمانی شاکی از هر حیث محرز و مسلم است و از طرف دیگر عوارض مورد مطالبه نیز به تبع تخلفات ساختمانی صورت گرفته و بر اساس تعرفه مصوب و برابر ضوابط و مقررات تعلق گرفته است.

مضافاً اینکه هیأت عمومی دیوان عدالت اداری برابر دادنامه شماره ۵۸۷ - ۱۳۸۳/۱۱/۲۵ در کلاس پرونده ۴۳۹/۸۱ در خصوص عوارض متعلق زیربنا و پذیره و اضافه تراکم و تغییر کاربری و... به صراحت در رأی مذکور اعلام نموده‌اند. «نظر به اینکه جرایم مندرج در تبصره‌های ماده ۱۰۰ قانون شهرداری در واقع و نفس الامر به منزله مجازات تخلفات ساختمانی مورد نظر مقنن بوده و انواع مختلف عوارض قانونی در حقیقت از نوع حقوق دیوانی ناشی از اعمال مجازات محسوب می‌شود. بنابراین به لحاظ تفاوت و تمایز وجوه عناوین مذکور در یکدیگر مصوبه مورد اعتراض از جهت اینکه مفید لزوم استیفاء عوارض قانونی مربوط است مغایرتی با قانون ندارد. بنابه مراتب فوق با توجه به مستندات موجود تخلفات ساختمانی شاکی از هر حیث محرز و مسلم است و از طرف دیگر عوارض مورد مطالبه نیز به تبع تخلفات ساختمانی صورت گرفته و بر اساس تعرفه مصوب و برابر ضوابط و مقررات تعلق گرفته است. رد دعوی نامبرده مورد استدعاست.»

در اجرای ماده ۸۴ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ پرونده به هیأت تخصصی شوراهای اسلامی دیوان عدالت اداری ارجاع می‌شود و هیأت مذکور به موجب دادنامه شماره ۱۱۱۱ - ۱۴۰۰/۹/۱۰ ماده ۱۹ تعرفه عوارض و بهای خدمات شورای اسلامی شهر رشت سال‌های ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ به استثناء آن قسمت از ماده یادشده مبنی بر محاسبه مساحت آن به عنوان زیربنا و اخذ عوارض را قابل ابطال تشخیص نداد و رأی به رد شکایت صادر کرد. رأی مذکور به علت عدم اعتراض از سوی رئیس دیوان عدالت اداری و یا ده نفر از قضات دیوان عدالت اداری قطعیت یافت.

رسیدگی به تقاضای ابطال تبصره ۳ ماده ۱۶ تعرفه عوارض و بهای خدمات شورای اسلامی شهر رشت سال ۱۳۹۸، تبصره ۳ ماده ۱۶ تعرفه عوارض و بهای خدمات شورای اسلامی شهر رشت سال ۱۳۹۹ و اصلاحی سال ۱۳۹۹ و قسمتی از ماده ۱۹ تعرفه عوارض و بهای خدمات شورای اسلامی شهر رشت سال‌های ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ در دستور کار هیأت عمومی قرار گرفت. هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۴۰۰/۱۰/۱۴ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

هرچند براساس بند ۱۶ ماده ۸۰ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب سال ۱۳۷۵ با اصلاحات بعدی، تصویب لوایح برقراری یا لغو عوارض شهر و همچنین تغییر نوع و میزان آن با در نظر گرفتن سیاستهای عمومی دولت که از سوی وزارت کشور اعلام می‌شود، از جمله وظایف و مسئولیتهای شوراهای اسلامی شهر است، ولی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

× در بند (ب) تبصره ۸ ماده ۱۶ عبارت «اقتدار آسب پذیر» به عبارت «گروه‌های کم درآمد» اصلاح می‌گردد. (صفحه ۴۱ تعرفه سال ۹۸)

د - ماده ۱۹ تعرفه عوارض و بهای خدمات شورای اسلامی شهر رشت سال ۱۳۹۸: "ماده ۱۹ - عوارض پیش آمدگی مشرف بر معابر عمومی (سال ۹۸)

در مورد پیش آمدگی (ساختمان - بالکن - تراس) واحدهای تجاری، صنعتی، اداری و مسکونی که مطابق با ضوابط و مقررات طرح تفصیلی و هادی، ایجاد و احداث می‌شود از هر متر مربع پیش آمدگی علاوه بر محاسبه مساحت آن به عنوان زیر بنا و اخذ عوارض مربوط، عوارضی تحت عنوان عوارض پیش آمدگی به شرح زیر محاسبه و وصول می‌شود.

ردیف	شرح	عوارض یک مترمربع
۱	پیش آمدگی به صورت ساختمان	۵p
۲	پیش آمدگی به صورت تراس یا بالکن سه طرف بسته روپوشیده	۳p
۳	پیش آمدگی به صورت تراس یا بالکن سه طرف باز روپوشیده	۲p
۴	پیش آمدگی به صورت تراس یا بالکن روباز	۱p

تبصره ۱- چنانچه پیش آمدگی سقف آخرین طبقه صرفاً به صورت سایبان یا سربندی مورد استفاده قرار گیرد. مشمول مقررات این ماده نخواهد بود.

تبصره ۲- چنانچه مالک اقدام به ساخت کنسول به شارع عام ننماید، پس از پرداخت جرایم مترتبه و عوارض موضوع این ماده، مشمول پرداخت عوارض مزاد ارزش ایجاد شده ناشی از مزاد بر تراکم پایه اعیانات می‌گردد.

ه - ماده ۱۹ تعرفه عوارض و بهای خدمات شورای اسلامی شهر رشت سال ۱۳۹۹:

"ماده ۱۹ - عوارض پیش آمدگی (سال ۹۹)

در مورد پیش آمدگی (ساختمان - بالکن - تراس) واحدهای تجاری، صنعتی، اداری و مسکونی که مطابق با ضوابط و مقررات طرح تفصیلی و هادی، ایجاد و احداث می‌شود از هر متر مربع پیش آمدگی علاوه بر محاسبه مساحت آن به عنوان زیر بنا و اخذ عوارض مربوط، عوارضی تحت عنوان عوارض پیش آمدگی به شرح زیر محاسبه و وصول می‌شود.

ردیف	شرح	عوارض یک مترمربع
۱	پیش آمدگی به صورت ساختمان	۵p
۲	پیش آمدگی به صورت تراس یا بالکن سه طرف بسته روپوشیده	۳p
۳	پیش آمدگی به صورت تراس یا بالکن سه طرف باز روپوشیده	۲p
۴	پیش آمدگی به صورت تراس یا بالکن روباز	۱p

تبصره ۱- چنانچه پیش آمدگی سقف آخرین طبقه صرفاً به صورت سایبان یا سربندی مورد استفاده قرار گیرد. مشمول مقررات این ماده نخواهد بود.

تبصره ۲- چنانچه مالک اقدام به ساخت کنسول به شارع عام ننماید، پس از پرداخت جرایم مترتبه و عوارض موضوع این ماده، مشمول پرداخت عوارض مزاد ارزش ایجاد شده ناشی از مزاد بر تراکم پایه اعیانات می‌گردد.

در پاسخ به شکایت مذکور، شهردار رشت به موجب لایحه شماره ش/۱۴۰۰/۸۶۱ - ۱۴۰۰/۱۱/۲۲ توضیح داده است که:

"اولاً: به استناد تبصره ۱ ماده ۵ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و چگونگی برقراری و وصول عوارض و سایر وجوه از تولیدکنندگان کالا و ارائه دهندگان خدمات و کالاهای وارداتی مصوب ۱۳۸۱/۱۰/۲۸ (موسوم به تجمیع عوارض) و ده بند آیین‌نامه اجرایی آن و متعاقب آن تبصره ۱ ماده ۵۰ قانون مالیات بر ارزش افزوده و همچنین به استناد بند ۱۶ ماده ۷۱ قانون شهرداری‌ها قانونگذار به شهرداری‌ها اختیار وضع عوارض تحت عنوان عوارض محلی را داده است. این شهرداری نیز برای تصویب عوارض مربوط کلیه تشریفات قانونی را وضع کرده است. از آنجا که مصوبات شورای اسلامی شهر طبق اصل ۱۰۲ قانون اساسی و ماده ۸۰ قانون شوراهای اسلامی شهر پس از تصویب لازم الاجرا است، لذا مصوبات مزبور با عنایت به قوانین استنادی منشاء وضع و وصول عوارض موصوف می‌باشند و تا زمان عدم ابطال آن از طریق مراجع ذیصلاح و قانونی مصوبات شورا در حکم قانون و قطعی و لازم الاجرا می‌باشد مع الوصف عوارض مورد مطالبه این شهرداری که مورد حکم کمیسیون ماده ۷۷ قرار گرفته کاملاً قانونی و برابر مقررات قابل وصول خواهد بود.

ثانیاً: به استحضار می‌رساند با توجه به اعتراض شاکی به مبلغ بدهی عوارض ساختمانی که طی فیش صادره به مبلغ ۲/۹۱۶/۲۸۶/۰۰۰ ریال بوده که مراتب در جهت پرداخت عوارض به مؤدی ابلاغ گردید، به علت عدم پرداخت با حدوث اختلاف فی مابین (شهرداری و مودی) پرونده وفق ماده ۷۷ قانون شهرداری‌ها به کمیسیون ارجاع گردید. کمیسیون با عنایت به لایحه دفاعیه مؤدی و نظر به اینکه عوارض مورد ادعای شهرداری منطبق با اصول و موازین قانونی محاسبه گردیده لذا با رد اعتراض مؤدی مستنداً به مواد ۱۲، ۱۶، ۱۹، ۲۶، ۵۵ از دفترچه عوارض و بهای خدمات شهرداری رشت و برابر رأی شماره ۵۱۳۱ - ۱۳۹۹/۴/۱۸ حکم به پرداخت عوارض ساختمانی به مبلغ فوق در حق شهرداری صادر می‌نماید.

قانون و از حدود اختیارات آن شورا با وجود قانون در همین رابطه می‌باشد مستنداً به بند ۱ ماده ۱۲ و مواد ۸۸ و ۱۳ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ استدعای ابطال مصوبات غیرقانونی شورای اسلامی شهر مرند در سالهای ۱۳۹۵، ۱۳۹۶، ۱۳۹۷، ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ در رابطه با موضوع دادخواست و جلوگیری از اخذ عوارض غیرقانونی شهرداری مرند را از زمان تصویب و خارج از نوبت تا پایان کار داریم. " متن مقرر مورد شکایت به شرح زیر است:

" سال ۹۵ - عوارض تجدید پروانه بعد از انقضای مدت پروانه و تمدیدها: معادل ۱۰٪ عوارض صدور پروانه اخذ و پروانه به مدت ۲ سال تجدید اعتبار خواهد شد و این موضوع در صورت عدم اتمام ساختمان برای دومین بار تکرار خواهد شد و مهلت بعدی در صورت عدم اتمام ساختمان از هر ماه تمدید معادل ۱٪ عوارض زمان صدور محاسبه و اخذ خواهد شد.

سال ۹۶ - عوارض تجدید پروانه بعد از انقضای مدت پروانه و تمدیدها: معادل ۱۰٪ عوارض صدور پروانه اخذ و پروانه به مدت ۲ سال تجدید اعتبار خواهد شد و این موضوع در صورت عدم اتمام ساختمان برای دومین بار تکرار خواهد شد و مهلت بعدی در صورت عدم اتمام ساختمان از هر ماه تمدید معادل ۱٪ عوارض زمان صدور محاسبه و اخذ خواهد شد.

سال ۹۷ - عوارض تجدید پروانه بعد از انقضای مدت پروانه و تمدیدها: معادل ۱۰٪ عوارض زمان مراجعه اخذ و پروانه به مدت ۲ سال تجدید اعتبار خواهد شد و این موضوع در صورت عدم اتمام ساختمان برای دومین بار تکرار خواهد شد و مهلت بعدی در صورت عدم اتمام ساختمان از هر ماه تمدید معادل ۱۰٪ عوارض زمان مراجعه محاسبه و اخذ خواهد شد.

سال ۹۸ - عوارض تجدید پروانه بعد از انقضای مدت پروانه و تمدیدها: معادل ۱۰٪ عوارض زمان مراجعه اخذ و پروانه به مدت ۲ سال تجدید اعتبار خواهد شد و این موضوع در صورت عدم اتمام ساختمان برای دومین بار تکرار خواهد شد و مهلت بعدی در صورت عدم اتمام ساختمان از هر ماه تمدید معادل ۱۰٪ عوارض زمان مراجعه محاسبه و اخذ خواهد شد. "

در پاسخ به شکایت مذکور، رئیس شورای اسلامی شهر مرند به موجب لایحه شماره ۱۱۴۲ - ۱۳۹۹/۱۲/۱۹ توضیح داده است که:

" ریاست و اعضای هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با ملاحظه و مذاقه در شرح متن دادخواست تقدیمی از سوی شاکی که به موضوع اتمام مدت پروانه به سال ۱۳۹۵ اشاره نموده مراتب چنین است ملک میبوحث‌عنه دارای پروانه ساختمانی به شماره ۲۲ - ۱۳۸۸/۱/۲۴ بوده که برابر اسناد و مدارک پیوستی در پرونده متشکله مدیرعامل شرکت تعاونی درخواست تمدید پروانه نموده است. ریاست و اعضای هیأت عمومی همان طور که مستحضرد شهرداری برای مستحذات بیش از ۵۰۰ مترمربع به صورت ویژه پروانه ساختمانی صادر می‌نماید که طبق قوانین و مقررات که مشعر بدان می‌باشند در مرحله اول ۳ سال اعتبار دارد و سپس در ۲ مرحله هر مرحله با موعد یکسال تمدید می‌گردد که در مجموع ۵ سال می‌باشد و چون ملک میبوحث به صورت ویژه بوده و با ارفاق به موضوع ۲ سال دیگر هر کدام یک سال تمدید پروانه می‌گردد که متأسفانه به دلیل عدم اتمام عملیات ساختمانی از سوی متقاضیان (شکات) و درخواست نسبت به ادامه عملیات جلوگیری از بروز خسارات جانی و مالی و حقوقی به شرکت تعاونی مسکن نیروی انتظامی بدین وسیله از شهرداری مرند درخواست تجدید پروانه نموده‌اند زیرا موعد موضوع تمدید پروانه از مقررات خارج شده است پس بنابراین در جهت تجدید پروانه، شهرداری می‌بایست وفق تعرفه عوارض محلی ۱۰٪ از هزینه کل پروانه خام صادره در سال ۱۳۹۵ را از متقاضی دریافت نماید تا دو سال دیگر مجدداً تجدید پروانه صورت پذیرد که با پرداخت مبلغ ارزش ریالی در سال ۱۳۹۵ شهرداری اقدام به تجدید نموده است که متأسفانه در سال ۱۳۹۷ به دلیل عدم اتمام عملیات ساختمانی در همان ۲ سال تجدید شده از سال ۱۳۹۵ مجدداً درخواست تجدید داشته که شهرداری به خاطر رفاه حال اعضای شرکت تعاونی، موافقت نموده که شرکت مزبور به دلیل عدم تفهیم عبارت ارفاق، از واریزی ۱۰٪ عوارض پروانه برای تجدید بار دوم آن در سال ۱۳۹۷ خودداری نموده است.

علی ایحال اعضای هیأت عمومی دیوان با مد نظر قرار دادن اصول و مقررات جاری در امر حاضر که شهرداری با اعمال ۱۰٪ عوارض در خصوص چنین موضوعی در امر تجدید پروانه در راستای ارفاق به مالکین یا متقاضیان امر بالاخص شرکت تعاونی نیروی انتظامی می‌توان از ورود خسارت احتمالی و صرفاً پرداخت هزینه‌های اضافی ناشی از ابطال این مصوبه جلوگیری به عمل آورد که خواهشمند است هیأت به این موضوع در صورت نیاز به شرح مفصل در هیأت تخصصی شهرسازی مطرح و جلب نظر کارشناسی به عمل آید. با عنایت به موارد معنونه و اسناد مستند و مستدل و مفاد تعرفه عوارض محلی، تحصیل حاصل است یک فقره پروانه کلاً ۵ سال اعتبار دارد که از تاریخ صدور به مدت ۳ سال و پس از آن ۲ بار هر بار به مدت یک سال تمدید می‌گردد در صورتی که به هر دلیلی عملیات ساختمانی در مدت اعتبار پروانه و

براساس آرای متعدد خود از جمله آرای شماره ۱۰۳۰ - ۱۳۹۶/۱۰/۱۲ و شماره ۱۷۴۸ - ۱۳۹۹/۱۱/۱۸ وضع عوارض برای بناهای احداثی ابقاء شده در کمیسیون ماده ۱۰۰ قانون شهرداری را صرفاً در رابطه با عوارض صدور پروانه ساخت مورد تأیید قرار داده و وضع عوارضی جز عوارض مذکور به میزان چند برابر، از مصادیق عوارض مضاعف محسوب می‌شود. بنا به مراتب فوق، تبصره ۳ ماده ۱۶ تعرفه عوارض و بهای خدمات سال ۱۳۹۸، تبصره ۳ ماده ۱۶ تعرفه عوارض و بهای خدمات سال ۱۳۹۹ و اصلاحی سال ۱۳۹۹ که متضمن اخذ عوارض به میزان چند برابر برای طبقات مازاد احداثی و هر نوع پیش آمدگی مشرف بر معابر عمومی و همچنین کلیه تراکمهای تخصیص یافته توسط شهرداری در اجرای مصوبات کلی کمیسیونهای ماده ۵ است، و نیز قسمتی از ماده ۱۹ تعرفه عوارض و بهای خدمات سالهای ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ آن شهر که در رابطه با قیمت علاوه بر مساحت است، خلاف قانون و خارج از حدود اختیار بوده و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود. رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - حکمتعلی مظفری

شماره ۹۹۰۲۱۱۸

۱۴۰۰/۱۱/۱۶

بسمه تعالی

جناب آقای اکبرپور

رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۱۴۰۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۲۶۸۳ مورخ ۱۴۰۰/۱۰/۱۴ با موضوع: «ستون آخر از جدول بند «ب» ماده ۶ تعرفه عوارض محلی سالهای ۱۳۹۵ الی ۱۳۹۸ شورای اسلامی شهر مرند تحت عنوان عوارض تجدید پروانه ساختمانی بعد از انقضای مدت پروانه و تمدید از تاریخ تصویب ابطال شد.» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - یدالله اسمعیلی‌فرد

تاریخ دادنامه: ۱۴۰۰/۱۰/۱۴ شماره دادنامه: ۲۶۸۳ شماره پرونده: ۹۹۰۲۱۱۸

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: شرکت تعاونی مسکن کارکنان انتظامی شهر مرند

موضوع شکایت و خواسته: ابطال ستون آخر از جدول بند (ب) ماده ۶ تعرفه

عوارض محلی سالهای ۱۳۹۵ الی ۱۳۹۸ شورای اسلامی شهر مرند تحت عنوان عوارض تمدید پروانه ساختمانی بعد از انقضای مدت پروانه و تمدید

گردش کار: شرکت تعاونی مسکن کارکنان انتظامی شهر مرند به موجب دادخواستی ابطال ستون آخر از جدول بند (ب) ماده ۶ تعرفه عوارض محلی سالهای ۱۳۹۵ الی ۱۳۹۹ تحت عنوان عوارض تجدید پروانه ساختمانی بعد از انقضای مدت پروانه و تمدید را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

" احتراماً به استحضار می‌رساند که شهرداری مرند در سال ۱۳۹۵ با اتمام مهلت قانونی پروانه ساخت این شرکت با اخذ ۱۰ درصد عوارض پروانه را به مدت ۲ سال تجدید کرد که این موضوع را شهرداری مرند در نامه ارسالی به شورای اسلامی شهر مرند به شماره ۳۰۴۰۰ - ۱۳۹۷/۱۲/۸ و لایحه دفاعیه به شعبه دهم دیوان عدالت اداری به صراحت اعلام داشته‌اند. حسب درخواست نماینده شرکت تعاونی مسکن کارکنان انتظامی مرند به تاریخ ۱۳۹۵/۱۱/۱۱ مبنی بر تمدید پروانه ساختمانی و... بر اساس تعرفه عوارض محلی سال ۱۳۹۵ با اخذ ۱۰ درصد عوارض برای دو سال تمدید شده است (در حالی که در ۲ مرقومه شهرداری مرند تناقض وجود دارد و بدین صورت که در نامه به شورای اسلامی شهر مرند اعلام کرده‌اند برای دومین بار تجدید پروانه انجام گیرد و در لایحه اعلام کرده‌اند برای ۲ سال پروانه را تمدید کرده‌اند که تجدید صحیح است. لازم به توضیح است که برای دفاع از حق و حقوق اعضای شرکت که از قشر زحمت کش ناجا می‌باشند دادخواستی در سال ۱۳۹۸ تقدیم و در شعبه ۱۰ دیوان عدالت اداری مورد رسیدگی قرار گرفت که ریاست شعبه با توجه به دفاع کذب شهرداری مرند و عدم توجه به تبصره ۲ ماده ۲۹ قانون شهرسازی و عوارض شهری علیرغم اینکه در اخذ عوارض محلی ۱۰ درصد پروانه را تمدید کرده دادخواست شرکت را رد کرده از اعتراض و تسلیم دادخواست دوم نتیجه‌ای عاید نشد به علت گزارش خلاف واقع در لایحه شهرداری تا اقدام به تسلیم دادخواست موضوع نمودیم.

با عرض مراتب فوق و با عنایت به دادخواست آقای امید محمدی در رابطه با ابطال مصوبه شورای اسلامی شهر کرج در سال ۱۳۹۳ و... که به کلاسه ۱۱۵۵/۹۵ در هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مورد رسیدگی قرار گرفته و طی دادنامه ۱۱۷۸ - ۱۳۹۶/۱۱/۱۷ به خواسته آقای امید محمدی رأی صادر شده چون خواسته این شرکت نیز دقیقاً مشابه خواسته ایشان است لذا نظر به اینکه مصوبات شورای اسلامی شهر مرند در خصوص تعرفه عوارض و بهای خدمات شهری مرند در رابطه با تمدید و تجدید پروانه ساختمانی خلاف

مورد عمل قرار می‌گیرد و به اطلاعات مالی و حسابرسی هر مؤدی به طور خاص ارتباط ندارد ابطال شد.» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.
مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - یدالله اسمعیلی‌فرد

تاریخ دادنامه: ۱۴۰۰/۱۰/۱۴ شماره دادنامه: ۲۶۸۵ - ۲۶۸۴

شماره پرونده: ۰۰۰۲۰۰۸ و ۰۰۰۵۷۸

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکیان: آقایان احمد شهنیائی و بهمن زبردست

موضوع شکایت و خواسته: ابطال تبصره ۴ ماده ۲۲ و تبصره ۲ ماده ۲۴ آیین‌نامه

اجرائی ماده ۲۱۹ قانون مالیات‌های مستقیم با اصلاحات مصوب ۱۳۹۴/۴/۳۱ موضوع مصوبه شماره ۱۸۰۷۱۸ - ۱۳۹۸/۹/۱۳ وزارت امور اقتصادی و دارایی

گردش کار: شاکیان به موجب دادخواستی ابطال تبصره ۴ ماده ۲۲ و تبصره ۲ ماده ۲۴ آیین‌نامه اجرائی ماده ۲۱۹ قانون مالیات‌های مستقیم با اصلاحات مصوب ۱۳۹۴/۴/۳۱ موضوع مصوبه شماره ۱۸۰۷۱۸ - ۱۳۹۸/۹/۱۳ وزارت امور اقتصادی و دارایی را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

" الف - احکام قانونی مستند دادخواست: ۱- ماده ۲ و ماده ۳ قانون ارتقاء سلامت نظام اداری و مقابله با فساد مصوب ۱۳۹۰/۸/۷ و قانون دائمی نمودن آن مصوب ۱۳۹۹/۱۱/۶ ماده ۲- اشخاص مشمول این قانون عبارتند از: الف - افراد مذکور در مواد ۱ تا ۹ قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶/۷/۸ ب - واحدهای زیر نظر مقام رهبری اعم از نظامی و غیرنظامی و تولید آستان‌های مقدس با موافقت ایشان. ج - شوراهای اسلامی شهر و روستا و مؤسسات خصوصی حرفه‌ای عهده دار خدمات عمومی. د - کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی غیردولتی موضوع این.

ماده ۳- دستگاه‌های مشمول بندهای (الف)، (ب) و (ج) ماده ۲ این قانون و مدیران و مسئولان آنها مکلفند: الف - کلیه قوانین و مقررات اعم از تصویب‌نامه‌ها، دستورالعملها، بخشنامه‌ها، رویه‌ها، تصمیمات مرتبط با حقوق شهروندی نظیر فرایندهای کاری و زمان بندی انجام کارها، استانداردها، معیار و شاخص‌های مورد عمل، مأموریتها، شرح وظایف دستگاه‌ها و واحدهای مربوط، همچنین مراحل مختلف اخذ مجوزها، موافقت‌های اصولی، مفاسد حسابها، تسهیلات اعطایی، نقشه‌های تفصیلی شهرها و جداول میزان تراکم و سطح اشغال در پروانه‌های ساختمانی و محاسبات مربوط به مالیاتها، عوارض و حقوق دولت، مراحل مربوط به واردات و صادرات کالا را باید در دیدارگاههای الکترونیک به اطلاع عموم برسانند. ب - قانون دائمی نمودن قانون ارتقای نظام سلامت اداری و مقابله با فساد مصوب ۱۳۹۹/۱۱/۶ ماده واحده قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد مصوب ۱۳۹۰/۸/۷ با اصلاحات و الحاقات بعدی با اصلاحات زیر دائمی می‌شود.

۲- ماده ۹۷ قانون مالیات‌های مستقیم درآمد مشمول مالیات اشخاص حقیقی موضوع این قانون که مکلف به تسلیم اظهارنامه مالیاتی می‌باشند به استناد اظهارنامه مالیاتی مؤدی که با رعایت مقررات مربوط تنظیم و ارائه شده و مورد پذیرش قرار گرفته باشد، خواهد بود. سازمان امور مالیاتی کشور می‌تواند اظهارنامه‌های مالیاتی دریافتی را بدون رسیدگی قبول و تعدادی از آنها را بر اساس معیارها و شاخص‌های تعیین شده و یا به طور نمونه انتخاب و برابر مقررات مورد رسیدگی قرار دهد. در صورتی که مؤدی از ارائه اظهارنامه مالیاتی در مهلت قانونی و مطابق با مقررات خودداری کند سازمان امور مالیاتی کشور نسبت به تهیه اظهارنامه مالیاتی برآوردی بر اساس فعالیت و اطلاعات اقتصادی کسب شده مودیان از طرح جامع مالیاتی و مطالبه مالیات متعلق به موجب برگ تشخیص مالیات اقدام می‌کند. در صورت اعتراض مؤدی چنانچه ظرف مدت سی روز از تاریخ ابلاغ برگ تشخیص مالیات نسبت به ارائه اظهارنامه مالیاتی مطابق مقررات مربوط اقدام کند اعتراض مؤدی طبق مقررات این قانون مورد رسیدگی قرار می‌گیرد. این حکم مانع از تعلق جرمه‌ها و اعمال مجازات‌های عدم تسلیم اظهارنامه مالیاتی در موعد مقرر قانونی نیست. حکم موضوع تبصره ماده ۲۳۹ این قانون در اجرای این ماده جاری است.

تبصره - سازمان امور مالیاتی کشور موظف است حداکثر ظرف مدت سه سال از تاریخ ابلاغ این قانون بانک اطلاعات مربوط به نظام جامع مالیاتی را در سراسر کشور مستقر و فعال نماید. در طی این مدت در ادارات امور مالیاتی که نظام جامع مالیاتی به صورت کامل به اجرا در نیامده است مواد ۹۷، ۹۸، ۹۸، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۴ و ۲۷۱ قانون مالیات‌های مستقیم مصوب سال ۱۳۸۰ مجری خواهد بود.

ب - جهات دادخواست: ۱- در مورد تبصره ۴ ماده ۲۲ مقررره مورد شکایت ماده ۲۲ آیین‌نامه یاد شده در اجرای ماده ۹۷ قانون متضمن ایجاد اظهارنامه برآوردی در مورد مودیان مستتکف از تسلیم اظهارنامه در موعد مقرر و طبق مقررات مقرر نموده است که اظهارنامه برآوردی مطابق روش‌ها و معیارهایی که توسط سازمان تعیین شده یا می‌شود ایجاد می‌گردد و برگ تشخیص مالیاتی بر اساس آن صادر و ابلاغ می‌شود. با این حال در تبصره ۴ همین ماده

تمدیدهای آن به اتمام نرسد شهرداری می‌تواند نسبت به تجدید پروانه با رعایت ضوابط و مقررات زمان صدور پروانه در زمان مراجعه نسبت به تجدید اعتبار پروانه اقدام نماید. تجدید اعتبار سال اول معادل مابه التفاوت عوارض وصولی در زمان صدور پروانه ساختمانی و زمان تجدید به اضافه ۱۰٪ عوارض پرداخت شده قبلی تعیین میگردد و تجدید اعتبار سالهای دوم به ازای هر سال تجدید عوارض معادل مابه التفاوت وصولی در زمان صدور پروانه ساختمانی و زمان تجدید دوم به میزان درصد مقرر در تعرفه عوارض محلی در زمان صدور پروانه ساختمانی از متقاضی تجدید پروانه ضمن محاسبه وصول خواهد شد. النهایه در خصوص محاسبه و وصول عوارض مابه التفاوت لازم به ذکر است در مواقعی که به هر دلیلی رقم مابه التفاوت حاصل نگردد ۱۰٪ عوارض زمان صدور پروانه ساختمانی محاسبه و وصول خواهد شد و موضوع شرکت تعاونی مسکن نیروی انتظامی خارج از مباحث و آرای اصرداری از سوی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری و در راستای ابطال مصوبات شورای اسلامی سایر شهرهای مذکور می‌باشد به عبارت بهتر، موضوع شرکت تعاونی نه صدور پروانه است و نه تمدید پروانه بلکه تجدید پروانه برای سال نهم ساخت است که از موضوعات کلی و آرای قبلی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری خروج موضوعی دارد. علی ایحال، با لحاظ موارد فوق الایماه شکایت شاکي کاملاً محکوم به رد است."

در اجرای ماده ۸۴ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ پرونده به هیأت تخصصی شوراهای اسلامی دیوان عدالت اداری ارجاع می‌شود و هیأت مذکور به موجب دادنامه شماره ۱۱۱۱۲/۱۴۰۰۰۹۹۷۰۹۰۶۰۱۱۱۱۲/۱۴۰۰۰۹۹۷۰۹۰۶۰۱۱۱۱۲ ستون آخر از جدول بند (ب) ماده ۶ تحت عنوان عدم شروع عملیات احداث ساختمان در مدت پروانه و تمدید مصوب شورای اسلامی سال ۱۳۹۹ شهر مرند را قابل ابطال تشخیص نداد و رأی به رد شکایت صادر کرد. رأی مذکور به علت عدم اعتراض از سوی رئیس دیوان عدالت اداری و یا ده نفر از قضات دیوان عدالت اداری قطعیست یافت.

رسیدگی به مصوبات شورای اسلامی شهر مرند در سالهای ۱۳۹۵، ۱۳۹۶، ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ در خصوص عوارض تمدید و تجدید پروانه ساختمانی در دستورکار هیأت عمومی قرار گرفت. هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۴۰۰/۱۰/۱۴ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

مطابق تبصره ۲ ماده ۲۹ قانون نوسازی و عمران شهری مصوب سال ۱۳۴۷ مقرر شده است که: «در پروانه‌های ساختمانی که از طرف شهرداریها صادر می‌شود، باید حداکثر مدتی که برای پایان یافتن ساختمان ضروری است، قید گردد و کسانی که در میدانها و معابر اصلی شهر اقدام به ساختمان می‌کنند باید ظرف مدت مقرر در پروانه‌ها ساختمان خود را به اتمام برسانند و در صورتی که تا دو سال بعد از مدتی که برای اتمام بنا در پروانه قید شده باز هم ناتمام بگذارند، عوارض مقرر در این قانون به دو برابر افزایش یافته و از آن به بعد نیز اگر ساختمان همچنان ناتمام باقی بماند، برای هر دو سالی که بگذرد عوارض به دو برابر مآخذ دو سال قبل افزایش خواهد یافت تا به ۴ درصد در سال بالغ گردد. اینبه‌ناتمام که از طرف مقامات قضایی توقیف شده باشد، مشمول این ماده نخواهد بود.» با توجه به اینکه قانونگذار به شرح تبصره یادشده درخصوص مهلت اتمام ساختمان و ضمانت اجرای عدم رعایت آن، روش خاصی برای تعیین و اخذ عوارض تمدید پروانه ساختمانی نیمه تمام پیش‌بینی کرده است، بنابراین ستون آخر از جدول بند «ب» ماده ۶ تعرفه عوارض محلی سالهای ۱۳۹۵ الی ۱۳۹۸ شهرداری مرند که تحت عنوان عوارض تجدید پروانه بعد از انقضای مدت پروانه و تمدید به تصویب شورای اسلامی این شهر رسیده، خلاف قانون و خارج از حدود اختیار است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و مواد ۱۳ و ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ از تاریخ تصویب ابطال می‌شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - حکمتمعلی مظفری

شماره ۰۰۰۵۷۸

۱۴۰۰/۱۱/۱۶

بسمه تعالی

جناب آقای اکبرپور

رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه‌های ۱۴۰۰۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۲۶۸۵ و ۱۴۰۰۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۲۶۸۴ مورخ ۱۴۰۰/۱۰/۱۴ با موضوع: «تبصره ۴ ماده ۲۲ و تبصره ۲ ماده ۲۴ آیین‌نامه اجرائی ماده ۲۱۹ قانون مالیات‌های مستقیم (مصوبه شماره ۱۸۰۷۱۸ مورخ ۱۳۹۸/۹/۱۳ وزیر امور اقتصادی و دارایی) ناظر به محرمانه بودن معیارها و شاخصهای مورد استفاده در تولید اظهارنامه برآوردی و محرمانه بودن معیارها و شاخصهایی است که جهت انتخاب مودیان براساس رتبه ریسک مالیاتی

۲- ماده ۲۳۲ قانون مالیات‌های مستقیم (اصلاحیه مصوب ۱۳۹۴/۴/۳۱) مقرر می‌دارد: «اداره امور مالیاتی و سایر مراجع مالیاتی باید اطلاعاتی را که ضمن رسیدگی به امور مالیاتی مؤدی به دست می‌آورند، محرمانه تلقی و از افشای آن جز در امر تشخیص درآمد و مالیات نزد مراجع ذی ربط در حد نیاز خودداری نمایند و در صورت افشا طبق قانون مجازات اسلامی با آنها رفتار خواهد شد.» همچنین بر اساس فراز دوم تبصره ۵ ماده ۱۶۹ قانون یاد شده، کلیه دستگاه‌های اجرایی موضوع بند (ب) ماده ۱ قانون برگزاری مناقصات (مصوب ۱۳۸۳/۱۱/۳) موظفند حداکثر ظرف مدت سه ماه پس از راه اندازی سامانه انجام معاملات وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های اجرایی، کلیه معاملات خود به غیر از معاملات محرمانه را از طریق این سامانه به ثبت برسانند. همچنین تبصره ۴ ماده ۱۶۹ مکرر قانون پیش گفته مقرر نموده: «دستگاه‌های اجرایی که مطابق قانون نیاز به این اطلاعات دارند، مجازند با تصویب هیأت وزیران و حفظ طبقه بندی مربوط، از اطلاعات موجود در پایگاه اطلاعات موضوع این ماده در حد نیاز استفاده کنند.» بنابراین با توجه به موارد معنونه در قانون یاد شده، رعایت اصل کلی حقوقی محرمانگی مالیاتی و حق بر حریم خصوصی مالی و مالیاتی، مورد تأیید و تأکید قرار گرفته است.

۳- قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات مصوب ۱۳۸۷/۱۱/۶ مجلس شورای اسلامی و آیین‌نامه اجرایی آن مصوب ۱۳۹۳/۸/۲۱ هیأت وزیران دلالت بر انتشار اطلاعات عمومی دارد، لیکن مضمون شکایت مطروحه صرفاً ناظر بر انتشار اطلاعات مالیاتی که در شمار حریم خصوصی بوده و بر اساس اصل کلی حقوقی محرمانگی مالیاتی و حق بر حریم خصوصی مالی و مالیاتی، محرمانه تلقی شده است، دلالت و مطابقت دارد. ضمن اینکه قانون یاد شده، درخواست دسترسی به اسناد و اطلاعات طبقه بندی شده و حریم خصوصی اشخاص را تابع قوانین و مقررات خاص خود می‌داند. بر این اساس ماده ۱۴ قانون یاد شده مقرر می‌دارد: «چنانچه اطلاعات درخواست شده مربوط به حریم خصوصی اشخاص باشد و یا در زمره اطلاعاتی باشد که با نقض احکام مربوط به حریم خصوصی تحصیل شده است، درخواست دسترسی باید رد شود.» همچنین ماده ۱۵ قانون پیش گفته اشعار می‌دارد: «مؤسسات مشمول این قانون در صورتی که پذیرش درخواست متقاضی متضمن افشای غیرقانونی اطلاعات شخصی درباره یک شخص حقیقی ثابت باشد باید از در اختیار قراردادن اطلاعات درخواست شده خودداری کنند.» ضمن اینکه تبصره ذیل ماده ۹ آیین‌نامه اجرایی قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات اشعار می‌دارد: «مؤسسات مشمول قانون حق انتشار یا ارائه اطلاعات مربوط به حریم خصوصی و سایر موارد منع شده در قانون را ندارند، مگر در مواردی که قوانین و مقررات، انتشار یا ارائه آنها را الزامی کرده باشد.» از این رو تعارض و مغایرتی بین قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات و آیین‌نامه اجرایی آن با مصوبه مورد شکایت وجود ندارد.

۴- در بند ۵ ماده ۲ تصویب‌نامه شورای عالی اداری با عنوان «حقوق شهروندی در نظام اداری» مصوب ۱۳۹۵/۱۲/۲۸ شورای عالی اداری، حق حفظ و رعایت حریم خصوصی همه افراد از مصادیق حقوق شهروندی در نظام اداری بر شمرده شده است. همچنین متعاقب آن در بندهای ۲ و ۳ ماده ۷ تصویب‌نامه یاد شده، چگونگی نحوه و سازوکار جمع آوری و اخذ اطلاعات شخصی افراد تبیین شده که در همین راستا عدم انتشار اطلاعات شخصی افراد، خارج از چارچوب تعیین شده مورد تأکید قرار گرفته است. ضمن اینکه ماده ۳۸ منشور حقوق شهروندی مصوب آذر ماه سال ۱۳۹۵ مقرر می‌دارد: «گردآوری و انتشار اطلاعات خصوصی شهروندان جز با رضایت آگاهانه یا به حکم قانون ممنوع است.» و در فراز آغازین ماده ۳۹ منشور یاد شده نیز بیان شده: «حق شهروندان است که از اطلاعات شخصی آنها که نزد دستگاه‌ها و اشخاص حقیقی و حقوقی است، حفاظت و حراست شود.» بر این اساس خواسته شاکی خارج از چارچوب روح حاکم بر مفاد تصویب‌نامه شورای عالی اداری با عنوان حقوق شهروندی در نظام اداری و نیز منشور حقوق شهروندی بوده و آن در تعارض و مغایرت آشکار است.

۵- برابر ماده ۶۴۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵/۳/۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی که بیان می‌دارد:

«اطباء و جراحان و ماماها و داروفروشان و کلیه کسانی که به مناسبت شغل یا حرفه خود محرم اسرار می‌شوند، هرگاه در غیر از موارد قانونی، اسرار مردم را افشا کنند، به سه ماه و یک روز تا یک سال و یا به یک میلیون و پانصد هزار تا شش میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌شوند.» همچنین ماده ۲۷۹ قانون مالیات‌های مستقیم (اصلاحیه مصوب ۱۳۹۴/۴/۳۱) اشعار می‌دارد: «هرگونه دسترسی غیرمجاز و سوء استفاده از اطلاعات ثبت شده در پایگاه اطلاعات هویتی، عملکردی و دارایی مودیان مالیاتی موضوع ماده ۱۶۹ مکرر این قانون در خصوص مسائلی غیر از فرایند تشخیص و وصول درآمدهای مالیاتی یا افشای اطلاعات مزبور جرم است و مرتکب علاوه بر انفصال از خدمات دولتی و عمومی از دو تا پنج سال به مجازات بیش از شش ماه تا دو سال حبس محکوم می‌شود. سایر مجازات‌های قانونی مربوط به این نامه با اقامه دعوی توسط ذی‌نفعان و به تشخیص مراجع قانونی ذی‌صلاح تعیین می‌شود.» از این رو همین گونه که ملاحظه می‌شود، قانونگذار درباره افشای اطلاعات محرمانه و هرگونه دسترسی غیرمجاز و سوء استفاده جرم انگاری و تعیین مجازات نموده است.

مقرر شده که «معیارها و شاخص‌هایی» که در اجرای قانون و آیین‌نامه برای تهیه اظهارنامه برآوردی تعیین می‌شود «محرمانه» است. تبصره یاد شده متضمن محرمانه بودن معیارها و شاخص‌های اجرای قانون برخلاف قانون است زیرا بر اساس ماده ۳ قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد دستگاه‌های موضوع این قانون که شامل سازمان امور مالیاتی به عنوان «موسسه دولتی» مستند به بند (الف) ماده ۵۹ قانون برنامه سوم توسعه نیز می‌گردد. صراحتاً مکلف شده‌اند که کلیه مقررات و «استانداردها، معیار و شاخص‌های مورد عمل» مرتبط با حقوق شهروندی را به اطلاع عموم برسانند لذا حکم مقرر مبنی بر محرمانه بودن معیارها و شاخص‌های اجرای قانون و آیین‌نامه نه تنها فاقد مبنای قانونی و خلاف حقوق شهروندی است بلکه صراحتاً خلاف تکلیف موضوع ماده ۳ قانون یاد شده است. بنابراین درخواست ابطال تبصره ۴ ماده ۲۲ آیین‌نامه یاد شده را دارد.

۲- در مورد تبصره ۲ ماده ۲۴ مقرر مورد شکایت برابر صدر ماده ۲۴ آیین‌نامه در اجرای ماده ۹۷ قانون سازمان امور مالیاتی می‌تواند نسبت به انتخاب مودیان برای حسابرسی، بر اساس شاخص‌ها و معیارهایی که سازمان تعیین می‌نماید و یا به طور نمونه اقدام نماید در تبصره ۲ همین ماده مقرر شده که «معیارها و شاخص‌های» تعیینی اجرای ضوابط و مقررات قانون و آیین‌نامه برای انتخاب مودیان به منظور حسابرسی «کاملاً محرمانه» است. با عنایت به اینکه در ماده ۳ قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد کلیه دستگاه‌های اجرایی شامل سازمان امور مالیاتی مکلف شده‌اند که کلیه مقررات و «استانداردها، معیار و شاخص‌های مورد عمل» مرتبط با حقوق شهروندی را به اطلاع عمومی برسانند. لذا حکم تبصره مورد شکایت مبنی بر کاملاً محرمانه بودن معیارها و ضوابط اجرای قانون و آیین‌نامه» مغایر حکم ماده ۳ قانون یاد شده و درخواست ابطال تبصره یاد شده را دارد.

متن مقرر مورد شکایت به شرح زیر است:

" آیین‌نامه اجرایی ماده ۲۱۹ قانون مالیات‌های مستقیم

ماده ۲۲- حوزه کاری دریافت و پردازش اظهارنامه موظف است: در مورد آن دسته از مودیانی که در موعد مقرر و مطابق مقررات از تسلیم اظهارنامه مالیاتی خودداری می‌نمایند، با رعایت مقررات ماده ۹۷ قانون، اظهارنامه‌های مالیاتی برآوردی بر اساس فعالیت و اطلاعات اقتصادی کسب شده مؤدی از طرح جامع مالیاتی مطابق روش‌ها و معیارهایی که توسط سازمان تعیین شده یا می‌شود، ایجاد (تولید) و نسبت به صدور برگ تشخیص مالیات بر اساس آن اقدام و برگ تشخیص مالیات مذکور را جهت ابلاغ به واحد ذیربط ارسال نماید.

.....

تبصره ۴- معیارها و شاخص‌هایی که در اجرای ضوابط و مقررات قانون و آیین‌نامه برای تهیه اظهارنامه برآوردی تعیین می‌شوند، محرمانه بوده و اشخاص تعیین‌کننده این شاخص‌ها و معیارها مجاز به افشای آنها جز نزد مراجع ذی‌صلاح قانونی نخواهد بود. در صورت افشا طبق قانون مجازات اسلامی و سایر مقررات قانون مربوط با آنها رفتار خواهد شد.

ماده ۲۴- بر اساس ماده ۹۷ قانون، سازمان می‌تواند بر اساس شاخص‌ها و معیارهایی که تعیین می‌نماید و یا به طور نمونه، نسبت به انتخاب مودیان مالیاتی بر اساس رتبه ریسک برای حسابرسی منابع مختلف مالیاتی اقدام نماید. در صورت عدم انتخاب مؤدی یا اظهارنامه مالیاتی برای حسابرسی، اظهارنامه مالیاتی تسلیمی در موعد مقرر که برای حسابرسی انتخاب نشده است، قطعی خواهد بود.

.....

تبصره ۲- معیارها و شاخص‌هایی که در اجرای ضوابط و مقررات قانون و آیین‌نامه برای انتخاب مودیان به منظور حسابرسی بر اساس رتبه ریسک تعیین می‌شوند، کاملاً محرمانه بوده و اشخاص تعیین‌کننده این شاخص‌ها و معیارها مجاز به افشای اقلام آن جز نزد مراجع ذی‌صلاح قانونی مربوط نخواهند بود. در صورت افشا طبق قانون مجازات اسلامی و سایر مقررات قانونی مزبور با آنها رفتار خواهد شد.

در پاسخ به شکایت مذکور، مدیرکل دفتر حقوقی وزارت امور اقتصادی و دارایی به موجب لایحه شماره ۹۱/۷۶۰۶۴-۱۴۰۰/۵/۲۰ توضیح داده است که:

۱- مصوبه مورد شکایت صرفاً در مقام بیان و نحوه انجام فعالیت هر یک از مأموران مالیاتی و ادارات امور مالیاتی و نیز ترتیبات اجرای احکام مقرر در قانون مالیات‌های مستقیم بوده که به موجب بخشنامه شماره ۲۰۰/۹۸/۸۶-۱۳۹۸/۹/۲۴ رئیس کل سازمان امور مالیاتی کشور به واحدهای اجرایی این سازمان ابلاغ شده و به معنای نقض قوانین و مقررات و یا توسعه دامنه اختیارات قانونی نیست، بلکه تنها جهت تشخیص میزان مالیات برآوردی و بر اساس اصل برابری و عدالت مالیاتی، وضع گردیده که دربردارنده معیارها و شاخص‌هایی است که بتوان مالیات متعلقه را نسبت به مودیانی که از اجرای فرامین قانونی امتناع می‌ورزند، تشخیص داد. بنابراین مصوبه مزبور نه تنها در راستای نقض حقوق شهروندی و یا در تعارض با مفاد ماده ۳ قانون ارتقاء سلامت نظام اداری و مقابله با فساد نیست، بلکه در جهت نزدیک‌تر شدن به عدالت مالیاتی بر اساس معیارها، استانداردها و شاخص‌هایی است که توسط مأموران مالیاتی اتخاذ و به موضع اجرا گذاشته می‌شود از این حیث مغایرت با قوانین مورد اشاره شاکی ندارد.

برابر مطالب یاد شده به دلیل عدم نقض قوانین و مقررات مربوط، صدور مصوبه (آیین‌نامه) و بخشنامه مورد شکایت در محدوده صلاحیت اختیاری مرجع صادرکننده آن (با استناد به اصل ۱۳۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و ماده ۲۱۹ قانون مالیات‌های مستقیم) بوده، بنابراین به موجب مفهوم مخالف بند ۱ ماده ۱۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۰/۹/۲۲ مجلس شورای اسلامی رد شکایت شاکی مورد تقاضا می‌باشد.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۴۰۰/۱۰/۱۴ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

براساس بند (الف) ماده ۳ قانون ارتقاء سلامت نظام اداری و مقابله با فساد مصوب سال ۱۳۹۰، دستگاههای مشمول بندهای (الف)، (ب) و (ج) ماده ۲ این قانون و از جمله کلیه دستگاههای اجرایی و مدیران و مسئولان آنها مکلفند: «کلیه قوانین و مقررات اعم از تصویب‌نامه‌ها، دستورالعملها، بخشنامه‌ها، رویه‌ها، تصمیمات مرتبط با حقوق شهروندی نظیر فرآیندهای کاری و زمان‌بندی انجام کارها، استانداردها، معیار و شاخصهای مورد عمل، مأموریتها، شرح وظایف دستگاهها و واحدهای مربوط، همچنین مراحل مختلف اخذ مجوزها، موافقتهای اصولی، مفاصاحسابها، تسهیلات اعطایی، نقشه‌های تفصیلی شهرها و جداول میزان تراکم و سطح اشغال در پروانه‌های ساختمانی و محاسبات مربوط به مالیاتها، عوارض و حقوق دولت، مراحل مربوط به واردات و صادرات کالا را در دیدارگاههای الکترونیک به اطلاع عموم برسانند...» با توجه به حکم قانونی مذکور و با عنایت به اینکه مقررات مورد شکایت شامل تبصره ۴ ماده ۲۲ و تبصره ۲ ماده ۲۴ آیین‌نامه اجرایی ماده ۲۱۹ قانون مالیاتهای مستقیم ناظر به محرمانه بودن معیارها و شاخصهای مورد استفاده در تولید اظهارنامه برآوردی و محرمانه بودن معیارها و شاخصهایی است که جهت انتخاب مؤدیان براساس رتبه ریسک مالیاتی مورد عمل قرار می‌گیرد و به اطلاعات مالی و حسابرسی هر مؤدی به طور خاص ارتباط ندارد و با لحاظ این امر که در مقررات مزبور برخلاف حکم بند (الف) ماده ۳ قانون ارتقاء سلامت نظام اداری و مقابله با فساد، حکم به محرمانه بودن معیارها و شاخصهای مذکور شده است، بنابراین تبصره ۴ ماده ۲۲ و تبصره ۲ ماده ۲۴ آیین‌نامه اجرایی ماده ۲۱۹ قانون مالیاتهای مستقیم (موضوع مصوبه شماره ۱۸۰۷۱۸ - ۱۳۹۸/۹/۱۳ - وزیر امور اقتصادی و دارایی) خارج از حدود اختیار و خلاف قانون بوده و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شوند.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - حکمتعلی مظفری

شماره ۰۰۰۰۶۸۱

۱۴۰۰/۱۱/۲۰

بسمه تعالی

جناب آقای اکبرپور

رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران
یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۱۴۰۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۲۸۲۳ مورخ ۱۴۰۰/۱۰/۲۸ با موضوع: «تعیین مبلغ تضمین‌شده تسهیم درآمد در ردیف ۳ جدول موضوع بند ۱ و مفاد بند ۲ مصوبه شماره ۱۰۹۳۵۱/ت/۵۲۴۶۷ هـ - ۱۳۹۴/۸/۲۰ هیأت وزیران که عملاً به معنای افزودن عنوانی جدید به حکم مقرر در قانون است و همچنین بند ۱۳ مصوبه شماره ۲ جلسه شماره ۲۰۶ - ۱۳۹۳/۱۰/۲۱ کمیسیون تنظیم مقررات ارتباطات که بر اساس آن دارنده پروانه باید تا پایان مدت پروانه هر سال بخشی از مبلغ تسهیم درآمد را به عنوان حداقل مبلغ تسهیم درآمد تضمین کرده و حداکثر تا آخرین روز هر سال قراردادی پرداخت کند از تاریخ تصویب ابطال شد.» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - یدالله اسمعیلی‌فرد

تاریخ دادنامه: ۱۴۰۰/۱۰/۲۸ شماره دادنامه: ۲۸۲۳ شماره پرونده: ۰۰۰۰۶۸۱

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکیان: شرکت‌های ارتباطات فرزندگان پارس، داده پردازی فن آوا، حلما گستر خاورمیانه، توسعه فناوری ارتباطات پاسارگاد آریان، گسترش ارتباطات مینا، ارتباطات ثابت پارسین و لایزر با وکالت آقای بهزاد امینی

موضوع شکایت و خواسته: ۱- ابطال بند ۱۳ از مصوبه شماره ۲ جلسه شماره ۲۰۶ با عنوان اصول حاکم بر صدور پروانه ایجاد و بهره‌برداری از شبکه ارتباطات ثابت (FCP) مورخ ۱۳۹۳/۱۰/۲۱ کمیسیون تنظیم مقررات ارتباطات ۲- ابطال ستون مربوط به «تعیین مبلغ تضمین شده تسهیم درآمد» در ردیف ۳ جدول موضوع بند ۱ و مفاد بند ۲ مصوبه شماره ۱۰۹۳۵۱/ت/۵۲۴۶۷ هـ - ۱۳۹۴/۸/۲۰ هیأت وزیران

گردش کار: آقای بهزاد امینی به وکالت از شرکت‌های مذکور (ذکر شده در ستون شاکیان) به موجب دادخواستی واحد ابطال بند ۱۳ از مصوبه شماره ۲ جلسه شماره ۲۰۶ با عنوان اصول حاکم بر صدور پروانه ایجاد و بهره‌برداری از شبکه ارتباطات ثابت (FCP) مورخ ۱۳۹۳/۱۰/۲۱ کمیسیون تنظیم مقررات ارتباطات و ابطال ستون مربوط به «تعیین مبلغ تضمین شده تسهیم درآمد» در ردیف ۳ جدول موضوع بند ۱ و مفاد بند ۲ مصوبه شماره ۱۰۹۳۵۱/ت/۵۲۴۶۷ هـ - ۱۳۹۴/۸/۲۰ هیأت وزیران را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

«مطابق ماده واحده «قانون اجازه تعیین و وصول حق امتیاز فعالیت بخش غیردولتی در زمینه پست و مخابرات» (مصوب ۱۳۹۲/۸/۱۹ مجلس شورای اسلامی) «در اجرای بند (ز) ماده ۳ قانون وظایف و اختیارات وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات مصوب ۱۳۸۲/۹/۱۹ وزارتخانه مذکور مکلف است بابت فعالیت‌های ارائه خدمات پستی، مخابراتی، فناوری اطلاعات و صدور مجوز ایجاد شبکه‌های ارتباطات و فناوری اطلاعات با تصویب هیأت وزیران، مبالغی به عنوان حق‌الامتیاز و حق‌السهم دولت و جریمه قانونی جبران عدم انجام تعهدات وصول و به حساب خزانه داری کل کشور واریز نماید...» لذا همان گونه که مشاهده می‌شود هیأت وزیران صرفاً حق تعیین مبالغی به عنوان «حق‌الامتیاز» و «حق‌السهم دولت» و «جریمه قانونی جبران عدم انجام تعهدات» جهت مجوزهای صادره از سوی وزارت ارتباطات را داشته است. لکن هیأت وزیران و به تبع کمیسیون تنظیم مقررات در مصوبات موضوع دادخواست حاضر، علاوه بر موارد مزبور اقدام به وضع مبلغ دیگری نیز تحت عنوان «مبلغ تضمین درآمد» یا «مبالغ مربوط به تسهیم درآمد تضمین شده» نموده اند. بدین معنی که دارندگان پروانه‌های صادره از سوی وزارت ارتباطات موظف شده‌اند سالانه مبالغی را به صورت تضمینی اعم از اینکه اساساً درآمدی داشته یا نداشته و یا به چه میزان باشند به دولت پرداخت نمایند (این مبلغ به جز حق‌الامتیاز است). به عبارت دیگر در مصوبات مزبور از یکسو «حق‌السهم دولت» از پروانه‌های صادره از سوی وزارت ارتباطات به صورت درصدی از درآمد مشخص شده است (که صلاحیت وضع آن مطابق قانون است) و از سوی دیگر مبلغی به عنوان تضمین درآمد نیز مشخص گردیده است، که متناسب با سال فعالیت دارای نرخهای متفاوت ثابتی است. در حالی که در رابطه با «حق‌السهم دولت»، هیأت وزیران صرفاً صلاحیت تعیین حق‌السهم دارندگان پروانه را داشته است و «حق‌السهم» همان گونه که از عنوان آن مشخص است ناظر به اختصاص بخشی از درآمد دارندگان پروانه به دولت به جهت فراهم آوردن امکانات و زمینه فعالیت برای این اشخاص می‌باشد.

از این رو «حق‌السهم» اساساً ارتباط مستقیم با درآمد اشخاص دارد و در حقیقت سهم دولت از درآمد محسوب می‌شود و بر همین اساس در مصوبه هیأت وزیران (و همچنین مصوبات کمیسیون تنظیم مقررات) درصدی از درآمد ناخالص دارندگان پروانه یا ارائه دهندگان خدمات را به عنوان «حق‌السهم دولت» مشخص شده است. لذا نمی‌توان تحت عنوان «حق‌السهم» اقدام به دریافت مبالغی نمود که ذیل این عنوان قرار نمی‌گیرند. اما براساس مصوبات مورد اعتراض، دارندگان پروانه‌های ایجاد و بهره‌برداری از شبکه ارتباطات ثابت (FCP) مکلف شده‌اند مبالغی را به عنوان تضمین درآمد پرداخت نمایند و در نتیجه دارنده پروانه‌ای که سه درصد درآمد ناخالص وی (به عنوان حق‌السهم دولت) کمتر از میزان «مبلغ تضمین درآمد» شده است، در واقع مکلف به پرداخت مبلغی شده است که ارتباطی با درآمد وی نداشته و بیش از حق‌السهم تعیین شده خواهد بود و لذا اطلاق حق‌السهم نسبت به این مبالغ نمی‌تواند صحیح باشد و تعیین قطعی چنین مبالغی علاوه بر اینکه مغایر صلاحیت اعطایی از سوی قانونگذار (خروج از صلاحیت) و اصول مربوط به حقوق مردم در قانون اساسی (اصول ۲۲ و ۴۶ و بند «۵» اصل ۴۳) می‌باشد، مغایر مواد ۳۰ و ۳۱ قانون مدنی نیز بوده و از حیث شرعی نیز مغایر اصولی همچون اصل لاضرر و قاعده احترام اموال مردم محسوب می‌شود. شایان ذکر است علاوه بر استدلالات فوق، کمیسیون تنظیم مقررات در تاریخ ۱۳۹۳/۱۰/۲۱ پیش از مصوبه هیأت وزیران (۱۳۹۴/۸/۳) اقدام به وضع مصوبه موضوع بند «۲» شکایت حاضر در خصوص مواردی از جمله «حق‌السهم» و «مبلغ تضمین درآمد» نموده است. در حالی که قانونگذار در قانون اجازه تعیین و وصول حق امتیاز فعالیت بخش غیردولتی در زمینه پست و مخابرات» (مصوب ۱۳۹۲/۸/۱۹) تعیین چنین موضوعی را به هیأت وزیران محول نموده است. لذا کمیسیون مزبور در زمان تصویب مصوبه مورد نظر اساساً فاقد صلاحیت بوده است.

گفتنی است مطابق بند «د» ماده ۵ «قانون وظایف و اختیارات وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات» (مصوب ۱۳۸۲/۹/۱۹) وظایف کمیسیون تنظیم مقررات ارتباطات مشخص گردیده است و از جمله این صلاحیتها، «تدوین مقررات ارتباطی کشور در چارچوب قوانین و مقررات کشور و اعمال و نظارت بر حسن اجرای آن» می‌باشد. همان گونه که مشاهده می‌شود صلاحیت کمیسیون مزبور به صراحت مقید به «قوانین و مقررات» کشور شده است و این بدان معناست که کمیسیون مزبور از صلاحیت مستقلی جهت وضع احکام موجد حق و تکلیف برخوردار نبوده و صرفاً ذیل قوانین و مقررات کشور حق وضع برخی از مقررات در حوزه ارتباطات را خواهد داشت. از همین رو شورای نگهبان

تعیین و وصول حق امتیاز فعالیت بخش غیردولتی در زمینه پست و مخابرات مصوب ۱۳۹۲ تصویب کرد:

۱- حق السهم دولت از پروانه‌های صادره از طرف وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات (سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی) به شرح زیر تعیین می‌شود:

ردیف	نام پروانه	حق السهم دولت	مبلغ تضمین درآمد	حق سازمان
۱	ارایه خدمات توزیع محتوای صدا و ویدئو مبتنی بر پروتکل اینترنت	پنج درصد از درآمد هر اشتراک ماهانه	بابت هر سال قراردادی ده میلیارد ریال	-
۲	اپراتورهای پستی غیردولتی	درصد به دست آمده در مزایده به علاوه سه درصد	هشتاد درصد تسهیم درآمد بیش‌بینی شده توسط اپراتور در طرح تجاری	بیست و پنج صد درصد از درآمد سال قبل، بابت هر سال که برای مبلغ اول بیش‌بینی شده اسمی از تسهیم درآمد مبنای محاسبه قرار می‌گیرد.
۳	ایجاد و بهره‌برداری از شبکه ارتباطات ثابت	سه درصد از درآمد ناخالص سالیانه	مطابق جدول بند (۲) این تصویب‌نامه	---
۴	پروانه ارایه خدمات ارتباطی ثابت	سه درصد از درآمد ناخالص سالیانه	برای سال اول، هفتصد میلیون ریال و برای سال‌های آتی و تا پایان اعتبار پروانه این مبلغ سالانه به میزان پانزده درصد نسبت به سال قبل افزایش خواهد یافت	---
۵	اپراتورهای مجازی تلفن همراه	پنج درصد از درآمد	مطابق جدول بند (۳) این تصویب‌نامه	از درآمد عمده فروشی مشابه درصدی تعیین شده در موافقت نامه اپراتور میزبان

تبصره ۱- حق السهم دولت موضوع ردیف ۱ جدول فوق که توسط سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی وصول می‌شود، بر اساس درصدهای تعیین شده در پروانه‌های صادره برای فراهم کنندگان شبکه، صرفاً از سهم فراهم کننده شبکه و درآمدهای ناشی از سهامداری در شرکت‌های دیگر برای ارایه خدمات موضوع پروانه دریافت خواهد شد. این موضوع منوط به شفاف‌سازی درآمدها در صورت‌های مالی فراهم کننده شبکه خواهد بود.

تبصره ۲- حق السهم دولت موضوع ردیف ۲ جدول فوق از درآمد اپراتور اول (شرکت پست جمهوری اسلامی ایران) سه درصد به صورت مشروط و قابل افزایش حق السهم تا بیست درصد و در صورت افزایش تعرفه‌های رده وزنی اول (تا دویست و پنجاه گرم) خدمات پستی داخله و افزایش حق السهم اپراتور اول، به نسبت مستقیم درآمد دارنده پروانه تا سقف بیست درصد افزایش می‌یابد.

۲- حداقل مبلغ تسهیم درآمد تضمین شده سالیانه ایجاد و بهره‌برداری از شبکه ارتباطات ثابت به شرح زیر تعیین می‌شود:

میلیون ریال

سال اول	سال دوم	سال سوم	سال چهارم	سال پنجم	سال ششم	سال هفتم	سال هشتم	سال نهم	سال دهم
۱۶۰۰۰	۱۸۴۰۰	۲۱۱۶۰	۲۴۳۳۴	۲۷۹۸۵	۳۲۱۸۲	۳۷۰۰۹	۴۲۵۶۱	۴۸۹۴۵	۵۶۲۸۷

۳- مبلغ تسهیم درآمد تضمین شده سالیانه اپراتورهای مجازی تلفن همراه به شرح زیر تعیین می‌شود:

سال اول	سال دوم	سال سوم	سال چهارم	سال پنجم
تعداد مشترکین پیش‌بینی شده ضربدر (۴۶/۰۰۰) ریال	تعداد مشترکین پیش‌بینی شده ضربدر (۵۳/۰۰۰) ریال	تعداد مشترکین پیش‌بینی شده ضربدر (۶۰/۰۰۰) ریال	تعداد مشترکین پیش‌بینی شده ضربدر (۷۰/۰۰۰) ریال	تعداد مشترکین پیش‌بینی شده ضربدر (۸۰/۰۰۰) ریال

معاون اول رییس جمهور، این مصوبه را در تاریخ ۱۳۹۴/۸/۲۰ برای اجرا به وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات، وزارت اطلاعات و وزارت امور اقتصادی و دارایی ابلاغ کرد. علیرغم ارسال و ابلاغ نسخه دوم دادخواست و ضامنه آن برای امور حقوقی دولت (هیأت وزیران) تا زمان رسیدگی به پرونده هیچ پاسخی واصل نشده است.

اما در پاسخ به شکایت مذکور، مدیرکل دفتر حقوقی و بازرسی سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات به موجب لایحه شماره ۱۰۰/۱۹۸۸۲ - ۱۴۰۰/۴/۲ توضیح داده است که:

۱- مطابق اصل ۴۴ قانون اساسی نظام اقتصادی بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی می‌باشد و پست و تلگراف و تلفن به صورت مالکیت عمومی و در اختیار دولت است،

ضمن اظهار نظر نسبت به مصوبه اولیه مجلس در خصوص «قانون وظایف و اختیارات وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات»، بند «د» ماده (۵) مصوبه مجلس که به صورت مطلق «تدوین و اعمال مقررات ارتباطی کشور» را به کمیسیون مزبور سپرده بود، مغایر قانون اساسی شناخت و نهایتاً پس از افزوده شدن قید «در چارچوب قوانین و مقررات کشور» مصوبه مذکور را تأیید نمود. لذا مصوبات کمیسیون تنظیم مقررات ارتباطات، ذیل قانون و مقررات قرار داشته و فاقد شأن مستقل می‌باشد و لازم است ذیل این موارد ارزیابی گردد و بدون تردید در مواردی که قانون و یا مقرره‌ای وجود ندارد و یا در صورت وجود، خارج از حدود مقرر در قوانین و مقررات، نمی‌توان قائل به صلاحیتی در حوزه مقررات گذاری برای کمیسیون مزبور شد. شایان ذکر است در مصوبات مذکور بهره‌مندی از سطح تضمین شده‌ای از درآمد برای شرکت‌های دریافت‌کننده پروانه FCP (پروانه موضوع مصوبه ۲۰۶ کمیسیون تنظیم مقررات) به خطا فرض دانسته شده است و بر این اساس مبالغ معینی تحت عنوان مبلغ تضمین شده تسهیم درآمد از ایشان وصول می‌شود، در حالی که شرکت‌های موضوع پروانه FCP برخلاف سه اپراتور تلفن همراه و شرکت مخابرات ایران که بهره‌مند از زیرساخت‌های انحصاری می‌باشند، در چارچوب پروانه FCP از هیچ منبع ملی و انحصاری که توجیه‌کننده تضمین درآمد ایشان باشد بهره‌مند نبوده اند.

علی ایحال به رغم همه این موارد سازمان تنظیم مقررات به عنوان متولی امر هم‌اکنون بدون توجه به درآمد دارندگان پروانه اقدام به اخذ مبالغ موضوع تضمین درآمد می‌نماید که چنین امری باعث شده بسیاری از دارندگان پروانه به جهت عدم تکافوی درآمد حاصله در معرض تعطیلی و توقف قرار بگیرند و در موارد متعددی نیز اسناد ضمانت دارندگان پروانه در دست سازمان مزبور می‌باشد که همواره با تهدید به اجرا گذاشتن مواجه هستند. لذا از آن مرجع تقاضا نمودم بدو دستور موقت مبنی بر توقف اجرای بندهای مورد شکایت صادر نمایند.

همچنین شرکت ارتباطات ثابت پارسیمان به موجب لوایح تکمیلی دیگر مورخ ۱۴۰۰/۱۱/۱ و ۱۴۰۰/۹/۳ اعلام کرده است که:

«با سلام و احترام، به استحضار می‌رساند این شرکت در خصوص مفاد دادخواست موضوع پرونده ۰۰۰۰۶۸۱ صرفاً جهت حقوقی مندرج در دادخواست را جهت رسیدگی آن هیأت مد نظر قرار داده است و در حال حاضر از طرح موضوع جهت شرعی صرف نظر نموده است در عین حال حق خود را برای طرح جهت شرعی ابطال مصوبات موضوع دادخواست متعاقباً و در ادامه پرونده برای خود محفوظ می‌داند. با عنایت به اینکه آثار زیان بار و آسیب‌های وارده به شرکت‌های خواهان پرونده تنها در صورت ابطال مفاد مصوبات موضوع شکایت کلاسه پرونده ۰۰۰۰۶۸۱ از زمان تصویب این مصوبات توسط مراجع طرف شکایت قابل رفع می‌باشد و لذا موکداً استدعا دارد تا مفاد ماده ۱۳ قانون دیوان عدالت اداری در خصوص موضوع شکایت در مقطع بررسی توسط هیأت عمومی دیوان مد نظر آن هیأت قرار گیرد. تا امکان رفع آسیب‌های غیرقابل جبران مربوطه که در صورت عدم اجابت خواسته موجب ورشکستگی شرکت‌های یاد شده را فراهم می‌سازد فراهم شود.»

متن مقرره‌های مورد شکایت به شرح زیر است:

«مصوبات کمیسیون تنظیم مقررات ارتباطات

الف - مصوبه شماره ۲ جلسه شماره ۲۰۶ - ۱۳۹۳/۱۰/۲۱

کمیسیون تنظیم مقررات ارتباطات در جلسه شماره ۲۰۶ - ۱۳۹۳/۱۰/۲۱ پیشنهاد سازمان درباره اصول حاکم بر صدور پروانه ارتباطات ثابت با (Fixed Communication Provider) را بررسی و مفاد آن را به شرح زیر تصویب کرد.

اصول حاکم بر صدور پروانه ایجاد و بهره‌برداری از شبکه ارتباطات ثابت (FCP)

۱۳- مبلغ تضمین شده تسهیم درآمد ونحوه پرداخت آن

دارنده پروانه باید تا پایان مدت پروانه هر سال بخشی از مبلغ تسهیم درآمد را به عنوان حداقل مبلغ تسهیم درآمد تضمین کرده و حداکثر تا آخرین روز هر سال قراردادی پرداخت کند. این مبلغ برای هر سال قراردادی به شرح جدول شماره ۳ خواهد بود.

جدول ۳: حداقل مبلغ تسهیم درآمد تضمین شده سالیانه (میلیون ریال)

سال اول	سال دوم	سال سوم	سال چهارم	سال پنجم	سال ششم	سال هفتم	سال هشتم	سال نهم	سال دهم
۱۶۰۰۰	۱۸۴۰۰	۲۱۱۶۰	۲۴۳۳۴	۲۷۹۸۵	۳۲۱۸۲	۳۷۰۰۹	۴۲۵۶۱	۴۸۹۴۵	۵۶۲۸۷

ب - مصوبه شماره ۱۰۹۳۵۱ ت ۲۴۶۷ هـ - ۱۳۹۴/۸/۲۰

تصویب‌نامه در خصوص تعیین حق السهم دولت از پروانه‌های صادره از طرف وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات (سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی)

وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات - وزارت اطلاعات - وزارت امور اقتصادی و دارایی

هیأت وزیران در جلسه ۱۳۹۴/۸/۳ به پیشنهاد مشترک شماره ۱۵۲۲۹۳ - ۱۳۹۴/۷/۱ وزارتخانه‌های ارتباطات و فناوری اطلاعات، امور اقتصادی و دارایی و اطلاعات و به استناد اصل ۱۳۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و ماده واحده قانون اجازه

آن مرجع، به موجب مصوبه مورخ ۱۳۹۴/۹/۴، لازم الاجرا می‌شود. سابقاً نیز در مواردی متعددی مصوبات مشابه بر اساس همین رویه به تصویب رسیده و اپراتورهای خدمات ارتباطی نیز با اذعان به الزام اجرای مقررات در انجام این مهم اقدام و اهتمام ورزیدند که از سوی هیأت تطبیق مصوبات دولت نیز مورد ایراد واقع نشده و لازم الاجرا شده‌اند که ذیلاً به حضور تقدیم می‌گردد.

مصوبه شماره ۴۶۵۱۶/۵۶۶۶۳ هـ - ۱۳۹۸/۴/۱۹ (تصویب‌نامه در خصوص مصوبه شماره ۳ جلسه شماره ۲۸۹ - ۱۳۹۷/۱۲/۱۹ کمیسیون تنظیم مقررات ارتباطات)

مصوبه شماره ۵۴۷۱۸/۸۷۶۲۴ هـ - ۱۳۹۶/۷/۱۸ (تصویب‌نامه در خصوص مصوبه شماره ۲۰۴ - ۱۳۹۳/۹/۱۶ کمیسیون تنظیم مقررات ارتباطات)

مصوبه شماره ۱۲۳۷۳۸/۵۴۷۱۸ هـ - ۱۳۹۸/۹/۲۶ (تصویب‌نامه در خصوص مصوبه شماره ۴ جلسه شماره ۲۹۲ - ۱۳۹۸/۵/۱۰ کمیسیون تنظیم مقررات ارتباطات)

مصوبه شماره ۴۶۵۱۶/۴۶۶۶۳ هـ - ۱۳۹۸/۴/۱۹ (تصویب‌نامه در خصوص مصوبه شماره ۲ جلسه شماره ۲۸۹ - ۱۳۹۷/۱۲/۱۹ کمیسیون تنظیم مقررات ارتباطات)

مصوبه شماره ۵۴۷۱۸/۵۴۶۶۸ هـ - ۱۳۹۸/۵/۲ (تصویب‌نامه در خصوص مصوبه شماره ۲ جلسه شماره ۲۷۰ - ۱۳۹۶/۱۱/۵ کمیسیون تنظیم مقررات ارتباطات) - ۶ تعهد

راجع به پرداخت مبالغ «تسهیم درآمد» و «تضمین تسهیم درآمد» در موافقتنامه پروانه کارورهای مخابراتی منعکس شده است. با عنایت به رابطه قراردادی فی مابین سازمان و دارنده پروانه، حکم اولیه «اوفوا بالعقود» و «المومنون عند شروطهم» بر ضرورت ایفای تعهدات ناظر بر پرداخت مبالغ فوق دلالت دارد. در «ماده ۲ - ۳۴ پروانه اعطایی قید شده است که دریافت پروانه به معنی قبول کلیه شرایط و پیوست‌های آن و تعهدات ناشی از اجرای آن می‌باشد» توجه به مهم که پرداخت حق‌السهم و تضمین تسهیم درآمد از جمله تعهدات دارنده پروانه است و در پروانه اعطایی قید شده است. با تدقیق در موارد فوق مشخص می‌گردد، کارورهای مخابراتی با علم و اطلاع کامل از مبالغ قابل وصول، وضعیت بازار، رقبا و سایر عناصر موثر، مبادرت به دریافت پروانه نموده و بر منطبق و ضرورت اخذ این مبالغ کامل آگاه‌اند. با این حال، متأسفانه با هدف مضاعف‌سازی منافع، نسبت به پرداخت حقوق دولت متعرض شده‌اند.

در پایان، با توجه به اینکه مبالغ مربوط به «تضمین تسهیم درآمد» جزئی از مبلغ «تسهیم درآمد» بوده و از ماهیت یکسانی برخوردار است، و حسب صلاحیت هیأت وزیران، کمیسیون تنظیم مقررات و سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی در تعیین سیاست‌های راجع به نحوه اعطای پروانه، و با عنایت به اینکه تعیین حداقل تعهدات مالی متقاضیان پروانه در قالب «تضمین تسهیم درآمد»، به منظور افزایش کیفیت ارائه خدمات، تسجیل برخی درآمدهای دولت، تضمین فعالیت کارورهای مخابراتی و تعدیل درآمد وی صورت می‌پذیرد، صدور حکم دال بر رد دعوی شاکیان و انطباق مصوبات مورد اعتراض با قوانین و مقررات بالادستی مورد استدعاست.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۴۰۰/۱۰/۲۸ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

براساس قانون اجازه تعیین و وصول حق امتیاز بخش غیردولتی در زمینه پست و مخابرات مصوب ۱۳۹۲/۸/۱۹ مقرر شده است که: «در اجرای بند (ز) ماده ۳ قانون وظایف و اختیارات وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات مصوب ۱۳۸۲/۹/۱۹ وزارتخانه مذکور مکلف است بابت فعالیتهای ارائه خدمات پستی، مخابرات، فناوری اطلاعات و صدور مجوز ایجاد شبکه‌های ارتباطات و فناوری اطلاعات با تصویب هیأت وزیران، مبالغی به‌عنوان حق‌الامتیاز و حق‌السهم دولت و جریمه قانونی جبران عدم انجام تعهدات، وصول و به حساب خزانه داری کل کشور واریز نماید.» نظر به اینکه به موجب قانون یادشده اختیار هیأت وزیران در تعیین حق‌السهم دولت منحصر در همین عنوان و مقید به تحصیل درآمد دارنده پروانه است، بنابراین تعیین مبلغ تضمین شده تسهیم درآمد در ردیف ۳ جدول موضوع بند ۱ و مفاد بند ۲ مصوبه شماره ۱۰۹۳۵۱/ت/۵۲۴۶۷ هـ - ۱۳۹۴/۸/۲۰ هیأت وزیران که عملاً به معنای افزودن عنوانی جدید به حکم مقرر در قانون است و همچنین بند ۱۳ مصوبه شماره ۲ جلسه شماره ۲۰۶ - ۱۳۹۳/۱۰/۲۱ کمیسیون تنظیم مقررات ارتباطات که براساس آن دارنده پروانه باید تا پایان مدت پروانه هر سال بخشی از مبلغ تسهیم درآمد را به عنوان حداقل مبلغ تسهیم درآمد تضمین کرده و حداکثر تا آخرین روز هر سال قراردادی پرداخت کند، خارج از حدود اختیار و خلاف قانون است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و مواد ۱۳ و ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ از تاریخ تصویب ابطال می‌شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - حکمتعلی مظفری

که با ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، حاکمیت عمومی دولت پس از ورود بخش‌های غیردولتی از طریق سیاستگذاری و اجرای قوانین و مقررات و نظارت مداوم می‌یابد و بند «ه» ماده ۳ قانون وظایف و اختیارات وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات با الهام از سیاست‌های ابلاغی مقرر می‌دارد، به منظور تحقق حاکمیت دولت، ایجاد و حفظ شبکه‌های مادر مخابراتی، تنظیم فضای فرکانسی کشور و تضمین استمرار ارائه خدمات پستی و مخابراتی برعهده دولت خواهد بود. بخش غیردولتی در قلمرو شبکه‌های غیرمادر بخش مخابرات شبکه‌های مستقل و موازی پستی و مخابراتی با رعایت اصل چهل و چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و حسب مجوزهای هیأت وزیران اجازه فعالیت خواهند داشت. از این رو به موجب بند «ز» ماده ۳ قانون وظایف و اختیارات وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات صدور مجوز تاسیس و بهره‌برداری ارائه خدمات پستی و مخابراتی و فناوری اطلاعات در سطح کشور در چارچوب قوانین و مقررات با رعایت اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به عهده وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات می‌باشد.

۲- با ابلاغ ماده واحده «تعیین و وصول حق‌الامتیاز فعالیت بخش غیردولتی در زمینه پست و مخابرات» صلاحیت تعیین مبالغ مربوط به حق‌الامتیاز و حق‌السهم دولت و جرایم قانونی به هیأت وزیران تفویض شد که به موجب این امر مصوبات متعددی در خصوص تعیین میزان حق‌الامتیاز، حق‌السهم و جریمه عدم انجام تعهدات پروانه‌ای توسط هیأت وزیران تصویب و ابلاغ شده که تا کنون مورد ایراد هیأت تطبیق قرار نگرفته است. همچنین «مصوبه شماره ۵۴۷۱۸/۵۴۶۶۸ هـ - ۱۳۹۶/۵/۲۱» در هیأت تخصصی مالیاتی بانکی در دیوان عدالت مورد بررسی قرار گرفت که نهایتاً هیأت یاد شده مصوبه مزبور را خلاف قانون ندانسته است.

۳- برابر با ادعای شاکیان، تعیین مبلغ مربوط به «تضمین تسهیم درآمد» خارج از حدود اختیار مرجع تصویب و غیر قانونی است، به عبارتی این ادعا به دلایل متعددی مطابق با واقع نبوده و دعوی ایشان مستعد رد است، توضیح آن که، تسهیم درآمد نسبت معینی از درآمد ناخالص سالیانه کارورهای مخابراتی است که پس از تایید حسابرس رسمی، به حساب خزانه‌داری کل واریز می‌شود و در خصوص خدمت تلفن ثابت برابر با ۳ درصد درآمد ناخالص است. در همین خصوص، به منظور ترغیب کاروران مخابراتی به توسعه کسب و کار و افزایش بهره‌برداری از پروانه اعطایی و همچنین تسجیل بخشی از درآمد دولت، در مصوبه هیأت وزیران، مصوبات کمیسیون و موافقت نامه پروانه، مبلغ تضمین شده تسهیم درآمد تعیین می‌گردد. بدین ترتیب، دارندگان پروانه به موجب تعهدات مندرج در موافقتنامه پروانه و با عنایت به مصوبات مربوطه، مکلفند تا پایان مدت پروانه همه ساله بخشی از مبلغ تسهیم درآمد را به عنوان حداقل مبلغ تسهیم درآمد تضمین کرده و در فرصت مقرر پرداخت کنند. به دیگر سخن، مبالغ مربوط به «تسهیم درآمد» و «تضمین تسهیم درآمد» از حیث ماهیت با یکدیگر متفاوت نیست. در واقع، «تضمین تسهیم درآمد» ناظر بر حداقل تعهد و «تسهیم درآمد» ناظر بر حداکثر تعهد یک کارور مخابراتی در تقسیم درآمد با دولت است.

۴ - با عنایت به اینکه تضمین درآمد اخذ بخشی از ۳ درصد تسهیم درآمد است، تعهد به پرداخت این مبلغ، با هدف تکلیف دارندگان پروانه به توسعه شبکه مشترکین از طریق افزایش خدمات و بهبود کیفیت خدمات بر عهده ایشان قرار گرفته است. در صورت حذف این تعهد، دارنده پروانه خود را از به روزرسانی، تلاش برای جذب مشترک بیشتر، بهبود کیفیت خدمات و... بی نیاز می‌بیند. لذا، با توجه به اینکه به ازای اعطای پروانه به هر کارور مخابراتی، به صورت بالقوه، امکان اعطای پروانه به متقاضیان دیگر سلب می‌گردد، مداوم اعتبار این پروانه منوط به تامین کامل منافع دولت از شبکه‌ای است که بهره‌برداری از آن به دارنده پروانه اختصاص یافته است.

۵ - در خصوص عدم صلاحیت کمیسیون در تصویب مصوبه شماره ۲ جلسه شماره ۲۰۶ - ۱۳۹۳/۱۰/۲۱ جهت تشحیذ ذهن آن عالی مقامان مستحضر می‌دارد، وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات بر اساس قانون ماده واحده مذکور مکلف است تا پس از تصویب هیأت وزیران مبالغی را در قالب حق‌الامتیاز، حق‌السهم دولت و جریمه قانونی عدم انجام تعهدات اخذ و به حساب خزانه داری کل کشور واریز نماید. بر همین اساس وزارت مذکور پس از بررسی موارد برای جلوگیری از تضییع حقوق مردم و بر اساس تکلیف مقرر در قانون، پیش‌نویسی را برای طرح در هیأت وزیران تهیه می‌کند. از آنجا که کمیسیون تنظیم مقررات ارتباطات، متشکل از وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات، نمایندگان وزارتخانه‌های اطلاعات، امور اقتصادی و دارایی و دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و همچنین سازمان برنامه و بودجه و اعضای صاحب نظر در امور ارتباطات و فناوری اطلاعات، پیش‌نویس‌های لازم برای تصویب در هیأت وزیران با نظر اعضای مذکور که نمایندگی برخی از اعضای هیأت وزیران را دارا هستند تهیه و با امضای وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات برای هیأت وزیران ارسال می‌شود. این امر نه به معنای تصویب، بلکه برای تهیه متنی منسجم و قابل دفاع در هیأت وزیران انجام می‌شود و پس از تصویب در